

## تحلیل جامعه‌شناختی موج چهارم دموکراتیزاسیون در ایران؛ دوره اعتدالگرایان (۱۳۹۲-۱۴۰۰)

ایرج زارعی<sup>۱</sup>، سیدمصطفی ابطحی<sup>۲\*</sup>، مجید توسلی رکن‌آبادی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- عضو گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- عضو گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده:

تاریخ معاصر ایران، یادآور سه موج دموکراتیزاسیون است که مجدداً به اقتدارگرایی بازگشته‌اند. این پژوهش مدعی است، در موج چهارم که از زمان اصلاح‌طلبان آغاز شد نیز گذار دموکراتیک، پارابلماتیک بوده و در دوره اعتدالگرایان منجر به تثبیت اقتدارگرایی شده است. رویکرد روش‌شناختی پژوهش، عقلانیت انتقادی است. لذا مشکل گذار ابتدا تبیین و سپس، «پرسش علمی» اینگونه طرح شد که «چرا فرآیند گذار متوقف و اقتدارگرایی در دوره اعتدالگرایان تثبیت شده است؟». برای پاسخ تئوریک به پرسش، دستگاه نظری پژوهش بر اساس تئوری‌های کنشگرایی گذار، صورت‌بندی شده است. سپس فرضیه‌ها از دستگاه نظری استنتاج گردید. مبنای فرضیه‌ها، فقدان سه شرط لازم «وضعیت‌نخبگان گسیخته»، «پیمان دموکراتیک» و «مشروعیت دموکراسی» یا «نظام حزبی نهادمند» در فرآیند دموکراتیزاسیون است. سرانجام برای داوری تجربی دستگاه نظری و فرضیه‌ها، به وقایع تاریخی مراجعه شد.

روش پژوهش تطبیقی-تاریخی با دو سطح تحلیل است. از تکنیک تحلیل روایتی در تفسیر و از تکنیک تحلیل همایندی در تبیین علی استفاده شده است. برای روایی کاربست تکنیک همایندی، دستگاه تئوریک به عنوان مورد «گواه»، در نظر گرفته شده است. پژوهش «مورد محور»، واحد تحلیل دوره اعتدالگرایان و شیوه پژوهش (گردآوری داده‌ها) اسنادی و کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها نشان می‌دهد در دوره اعتدالگرایان، دو مؤلفه وضعیت نخبگان و وجود بحران؛ با تثبیت اقتدارگرایی هم‌آیند است. هم‌چنین در فرآیند دموکراتیزاسیون که پس از استیلای نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک، متوقف شده بود، وضعیت بحران، در نبود نظام حزبی نهادمند و یا عدم مشروعیت بالای دموکراسی، منجر به تثبیت اقتدارگرایی شده است. این یافته خلاف انتظار دستگاه تحلیل نظری و نیز مغایر گزاره‌های تئوریک در رویکرد کنشگرایی گذار است.

**کلمات کلیدی:** دموکراتیزاسیون، اقتدارگرایی، گذار دموکراتیک، اصولگرایان، اصلاح طلبان، اعتدالگرایان.

## مقدمه

موضوع مقاله، مطالعه برشی از موج چهارم دموکراتیزاسیون در ایران است. موج دموکراسی برگرفته از تئوری هانتینگتون است که تغییرات از رژیم های غیردموکراتیک به رژیم های دموکراتیک، در بازه زمانی مشخص را تبیین و سه مرحله فروپاشی رژیم اقتدارگرا، گذار دموکراتیک و تثبیت دموکراتیک را طی می کند (Huntington; 1991, 9-15). نظریه گذار، وقوع دموکراتیزاسیون از طریق عامل اقتصادی را رد می کند و ایجاد دموکراسی را توسط کنشگران آگاه و متعهد به شرطی که خوش شانس و نیز کمی قدرت خطر کردن داشته باشند ممکن می داند (Grugel; 2002, 56). دموکراسی تثبیت شده، مرحله ای از گذار است که در آن همه گروه های مهم و نهادهای سیاسی تأسیس شده، به قواعد دموکراتیک «یگانه بازی شهر» و معیار و رویه های دموکراسی سیاسی، پای بند باشند و برای سازماندهی سیاست و جایگزینی فرایند دموکراتیک، هیچ روش بدیل دیگری مناسب به نظر نرسد (Graeme, Gill; 2000, 235) (گیل، ۱۳۹۴: ۳۳۳). این رویکرد نظری به مثابه یک معیار علمی، برای تدوین دستگاه نظری و تحلیل فرآیند دموکراتیزاسیون در اینجا استفاده شده است. از دیدگاه تاریخی، دموکراسی پدیده یا نظریه ای جدید نیست و نظریه پردازان دموکراسی بویژه در قرون گذشته، دموکراسی را مثبت ارزش گذاری نمی کردند (کانینگهام، ۱۳۹۶: ۱۵). برخی، همه فرهنگ های سنتی را به درجات مختلف، اقتدارگرا و غیردموکراتیک می دانند. در جوامع اسلامی، اقتدارگرایی بتدریج اندکی کم رنگ تر شده است (احمدوند، ۱۳۹۷). در ایران نیز، اقتدارگرایی ویژگی مشترک نظام های سیاسی بوده است (موسوی وتوسلی، ۱۳۹۵؛ قاضی مرادی، ۱۳۹۸: ۹). اما در جهان معاصر، دموکراسی به عنوان یک ساختار سیاسی از یک استثناء به یک قاعده تبدیل شده است (قاضی مرادی، ۱۴۰۰: ۷) و در حال تبدیل شدن به یک ارزش جهانی است (Huntington; 1991, 45؛ بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

## طرح مسأله

در رویکرد نوین، بویژه طی قرن اخیر ایرانیان نیز، همواره خواهان ارزش های سیاسی جدید، مثل آزادی، مشارکت سیاسی، برابری مدنی و محدودسازی اختیارات حاکمان به قواعد سیاسی بوده اند و دموکراسی خواهی را در چند موج تجربه کرده اند (ساعی، ۱۳۹۷: ۱۴). موج اول، مشروطه خواهی ۱۲۸۷-۱۲۸۴ بود که قانون اساسی و نظام مشروطه شکل گرفت. موج دوم، در نهضت ملی شدن نفت ۱۳۳۲-۱۳۳۰ رخ داد و نظام سیاسی بر بنیان همان قانون اساسی مشروطه بود. موج سوم، در جمهوری خواهی سال ۱۳۵۷ و موج چهارم، در دوم خرداد ۱۳۷۶ رخ داد. بازگشت به اقتدارگرایی در موج اول، در سال ۱۲۸۷ و در موج دوم در سال ۱۳۲۰ رخ داده است (ابوذری لطف، ۱۳۹۸). در موج سوم که اساساً به سختی موج دموکراتیزاسیون نامیده می شود (بشیریه، ۱۳۹۲: ۴۳) نیز، بازگشت به اقتدارگرایی، در دهه ۶۰ شروع و در سال ۱۳۶۸ با تغییر قانون اساسی و افزودن کلمه «مطلقه» به آن تثبیت شد (ساعی، ۱۳۹۸: ۳۳). با این وصف، روند دموکراتیزاسیون در ایران موفقیت آمیز نبوده و هنوز مرحله تثبیت دموکراسی، محقق نشده است (ساعی و عبدالحی، ۱۳۸۴: ۱۵). بر مبنای تئوری های کنشگرایی گذار، رسیدن به مرحله تثبیت دموکراسی مستلزم توافق و مصالحه نخبگان قدرت است.

در علت یابی این عدم موفقیت، برخی معتقدند؛ مصالحه و سازش در فرهنگ سیاسی ایرانیان بار منفی دارد (مقصودی و همکار، ۱۳۹۷: ۴۲) و شکل نگرفتن و ناپایداری مصالحه، ناشی از نگرش‌ها و ارزش‌های متفاوت است (مقصودی و همکار، ۱۳۹۸: ۷۶). اما هانتیگتون موفقیت فرآیندگذار به دموکراسی را به میزان زیادی منوط به مهارت و قضاوت صحیح کنشگران سیاسی، در لحظه گذار می‌داند (کدیور ۱۳۸۶، ۱۱). مدعای پژوهش این است در موج چهارم نیز، گذار دموکراتیک موفق نبوده و در دوره اعتدال‌گرایان، به تثبیت اقتدارگرایی منجر شده است. تبیین و چرایی این مساله، موضوع مقاله حاضر است.

رخدادهایی مانند برخورد حذفی با دانشجویان و دانشگاهیان، مداخله و مشارکت نظامیان در امور اقتصادی، برخورد خشونت آمیز و سرکوب اعتراضات، تشدید نظارت استصوابی، فزاینده شدن رد صلاحیت‌ها در دوره‌های انتخابات، رد صلاحیت نخبگان سیاسی رقیب و نیز رد صلاحیت نمایندگان مجلس و بعضاً محاکمه و زندانی کردن آنها، دخالت در عرصه خصوصی و زندگی مردم، تشکیل و فعال کردن گشت‌های امنیت اخلاقی، تهدید علنی مخالفان به خشونت، انحلال احزاب سیاسی، حبس خانگی مخالفان سیاسی، شواهدی از واقعیت اجتماعی این دوره است. تعارض این واقعیات با تئوری دموکراتیزاسیون، پاراللماتیک بودن موج دموکراتیزاسیون را نشان می‌دهد. گرچه در دوره اصلاح‌طلبان، این موج با موفقیت‌هایی همراه بوده است؛ اما با استقرار اصولگرایان در قدرت (۱۳۸۴-۱۳۹۲) اقتدارگرایی، بازگشت داشته و سرانجام به تثبیت اقتدارگرایی در دوره اعتدال‌گرایان منجر شده است. حتی شاخص‌های جهانی حکمرانی صلح آمیز نیز در ارزیابی‌ها، از ۲/۵۳ واحد در سال ۲۰۰۸ فقط به ۲/۶۷ واحد در سال ۲۰۲۰ افزایش داشته است (مقصودی، ۱۴۰۰: ۲۰۴). مجموع این شواهد تجربی تأیید کننده تعارض و مبین «مسأله دار» بودن گذار دموکراتیک در موج چهارم است. اینک «پرسش علمی» پژوهش این است، «چرا فرآیندگذار متوقف و اقتدارگرایی در دوره اعتدال‌گرایان تثبیت شده است؟»

این پرسش، هم «پاسخ‌تئوریک» و هم «پاسخ تجربی» می‌طلبد. پاسخ‌تئوریک از دستگاه نظری استنتاج و پاسخ تجربی، داوری شواهد عینی در مورد پاسخ‌تئوریک است. برای تبیین و نیز یافتن راه حل‌تئوریک مسأله، با الهام از تئوری‌های کنشگرای گذار، دستگاه نظری فرموله شده و فرضیه‌های زیر از آن استنتاج شده است.

### پیشینه نظری پژوهش

تئوری‌های گذار به دموکراسی، به دو دسته ساختارگرایانه و کنش‌گرایانه<sup>(۱)</sup> تقسیم می‌شوند (بشیری، ۱۳۸۷: ۲۴؛ ساعی و کوشافر، ۱۳۸۹). در تئوری‌های ساختاری، دموکراسی شدن، تابع تغییر در ساختارهای اجتماعی است و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ مثل رشد اقتصادی، شهرنشینی، آموزش و ارتباطات مطالعه می‌شود (بشیری، ۱۳۸۷: ۲۴؛ ساعی و کوشافر، ۱۳۸۹؛ قاضی مرادی، ۱۴۰۰: ۲۱۳). این تئوری‌ها، چگونگی منجر شدن تغییر در ساختارهای اجتماعی، به تغییر در ساختار سیاسی و دموکراتیزاسیون را پاسخ نمی‌دهند (ساعی، ۱۳۹۷: ۲۱۳).

<sup>1</sup> - Actionist Theories

بررسی پیشینه موضوع گذار به دموکراسی حاکی است، اولین نسل نظریه پردازان گذار، لیپست<sup>۱</sup> و روستو<sup>۲</sup> هستند (استوار، ۱۳۹۶: ۵۷). روستو نماینده اصلی نظریه گذار است و دموکراسی را فرزند «تضاد» و حتی «خشونت» می خواند (ساعی، ۱۳۹۷: ۴۹؛ قاضی مرادی، ۱۴۰۰: ۱۴۸).

نسل دوم نظریه های گذار را هیگلی و برتون<sup>۳</sup> ارائه دادند که بازیگری نخبگان در آن نقش اساسی داشت و نخبگان را عامل اصلی دموکراسی سازی می دانند، که گذار توسط آنان شروع و رهبری می شود و به پیروزی یا شکست می انجامد ایشان دو بعد موازی «گستره یکپارچگی ساختاری» و «گستره اجماعی ارزشی» را در ساختار و کارکرد نخبگان ملی مورد عمل می داند. ایشان، سه صورت بندی، «نخبگان حاکم گسیخته» «نخبگان یکپارچه دموکراتیک» و «نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک» از نخبگان، ارائه می دهند (قاضی مرادی، ۱۴۰۰: ۱۴۴؛ بشیریه، ۱۳۸۷: ۴۲؛ استوار، ۱۳۹۶: ۵۷). به نظر ایشان، استحاله نخبگان از گسیختگی به انسجام ایدئولوژیک؛ فقط از طریق انقلاب روی می دهد. اگر وضعیت نخبگان حاکم ایدئولوژیک باشد، ایدئولوژی؛ چارچوب تبیین سیاسی است و پیمان دموکراتیک، موضوعیت ندارد (قاضی مرادی، ۱۴۰۰: ۱۹۸-۱۹۱). اودانل<sup>۴</sup> و اشمیتز<sup>۵</sup> نیز در این طیف «پیمان» یا «توافق» را مهم ترین شیوه گذار معرفی می کنند و ی محتمل ترین شیوه گذار به دموکراسی را توافق و پس از آن، گذار در پی اجبار می دانند؛ در واقع گذاری که کنشگران آن نخبگان هستند. به نظر وی در مصالحه منتج از مذاکره، بازیگران قرار می گذارند از توانمندی خود، در آسیب زدن به یکدیگر، خودداری کنند. (قاضی مرادی، ۱۴۰۰: ۱۷۷-۱۷۵).

نسل سوم به اندیشمندانی چون هانتینگتون<sup>۶</sup> تعلق دارد که دیدگاهی ترکیب گرایانه برای گذار قائلند. این طیف هم بر ساختارها تکیه دارند و هم نقش نخبگان را مؤثر می دانند (استوار، ۱۳۹۶: ۵۷) وی دو عنصر اصلی پدید آورنده و پیش برنده روند دموکراسی سازی را؛ علّت ها<sup>۷</sup> و موجد ها<sup>۸</sup> می داند (Huntington; 1991, 106). علّت ها، همان علل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و موجد ها؛ افراد و گروه هایی هستند که، به اتکای آن علّت ها، دموکراسی را ایجاد می کنند. به عقیده وی توسعه اقتصادی، دموکراسی را ممکن می کند و رهبری سیاسی آن را واقعیت می بخشد (Huntington; 1991, 316).

از دیگر اندیشمندان حوزه گذار، آدام پرزورسکی<sup>۹</sup> «توافق و مصالحه» نخبگان را اقدامی استراتژیک می داند که بر این اساس پیمان هایی برای گذار از بالا را شکل می دهند (کدیور ۱۳۸۶: ۹). دایاموند معتقد است پیش شرط تحقق دموکراسی فقط «اراده» و خواست نخبگان سیاسی برای حکومت به شیوه دموکراتیک است و پیش شرط دیگری ندارد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۰۳) لینز<sup>۱۰</sup> و استپان<sup>۱۱</sup> گذار «توافق» را مهم ترین شیوه می دانند (قاضی مرادی، ۱۴۰۰: ۲۸۶).

<sup>۱</sup> - Seymour Martin Lipset

<sup>۲</sup> - Dankwart, Rustow

<sup>۳</sup> - Burton & Higley

<sup>۴</sup> - Guillermo O'Donnell

<sup>۵</sup> - Schmitter

<sup>۶</sup> - Samuel, Huntington

<sup>۷</sup> - Causes

<sup>۸</sup> - Causers

<sup>۹</sup> - Adam, Przeworski

<sup>۱۰</sup> - Juan, Linz

<sup>۱۱</sup> - Stephan

ونهانن<sup>(۱)</sup> نیز معتقد است، توزیع منابع قدرت؛ عامل زیرین تبیین تئوریک روابط است و دموکراتیزاسیون در شرایطی رخ می‌دهد که، منابع قدرت اقتصادی و منابع قدرت فرهنگی؛ به‌طور وسیع در میان گروه‌های مختلف مردم توزیع شده باشد؛ به نحوی که، هیچ گروهی قادر به سرکوب رقبا یا حفظ هژمونی اش نباشد. دموکراسی؛ محصول مصالحه عقلانی گروه‌های رقیب قدرتمند است (ساعی، ۱۳۹۷: ۴۵). لئوناردو مورلینو<sup>(۲)</sup> تثبیت دموکراتیک را منوط به استحکام و «پذیرش عمومی» هنجارها و ساختارهای دموکراتیک می‌داند. و وفاق و یا کنترل عامل لازم تثبیت دموکراتیک است (بشیریه، ۱۳۸۷: ۵۱) به نظر ایشان؛ اگر دموکراسی از مشروعیت بالایی برخوردار، و نیز احزاب قدرتمند، وجود داشته باشد، تثبیت دموکراتیک صورت خواهد گرفت (ساعی و کوشافر، ۱۳۸۹). هم چنین کارودرز<sup>(۳)</sup> می‌گوید هیچ ضمانتی نیست؛ کشورهایی که گذار دموکراتیک را تجربه کرده اند؛ بزودی یک دموکراسی لیبرال شوند یا هرگز نشوند، چون بیشتر آنها در وضعیت «ناحیه خاکستری» گیر کرده اند (خوشبخت و همکاران، ۱۴۰۰).

### پیشینه تجربی پژوهش

«مسأله دموکراسی» در ایران، همواره دغدغه پژوهشگران دوران معاصر بوده است. اما پژوهش‌های مبتنی بر شواهد عینی و «روش علمی» با موضوع خاص «دموکراتیزاسیون» کمتر مورد توجه بوده است (کدیور، ۱۳۸۶: ۹). پژوهش‌ها اغلب بر نگرش‌های آرمان خواهانه و یا تئوریک صرف، استوارند. در اینجا اهم پژوهش‌های مرتبط با مؤلفه‌های مختلف دموکراتیزاسیون آورده شده است.

جواد اطاعت (۱۳۸۳)، با مطالعه رابطه تعاملی نظام انتخاباتی و نظام سیاسی در ایران، مشکل فرایند دموکراتیزاسیون را سینوسی شدن روندی که باید تکاملی و خطی باشد، می‌داند. مهدی محمدنیا بهابادی (۱۳۸۵)، عوامل عدم گذار ایران به دموکراسی در دوره اصلاحات را، به برتری یک جناح، سازمان نایافته گی اصلاح طلبان، فشار توده ای ضد مصالحه و عدم بحران تهدید کننده، نسبت می‌دهد. جهانگیر پاک‌نیا (۱۳۸۸)، وجود گرایش‌های متفاوت غیردموکراتیک در ساخت قدرت در نظام جمهوری اسلامی را، عامل بن بست الگوهای موفق گذار دموکراتیک می‌داند. غلامعباس توسلی (۱۳۸۹)، از سه نوع مقاومت؛ استعماری، سیاسی و فرهنگی در مقابل روند دموکراتیزاسیون نام می‌برد. به نظر ایشان؛ وقتی مردم آزادی به دست می‌آورند به افراط گرایش پیدا می‌کنند و هرج و مرج؛ زمینه ظهور مستبدان را فراهم می‌آورد، این جنبه‌های منفی فرهنگ در ایران به عنوان موانع فرهنگی عمل می‌کند. مهرنوش راهبر (۱۳۹۱) با نقد عملکرد اصلاح طلبان، غیر مستقیم به بررسی علت توقف دموکراتیزاسیون در این مقطع پرداخته است. اصغر ایمانی بوسجین (۱۳۹۲)، نهادینه نشدن دموکراسی را با فرهنگ دموکراتیک مسلط، همبسته می‌داند. معتقد است تا زمانی که فرهنگ مسلط در ایران دموکراتیک نشود، تثبیت دموکراسی محقق نخواهد شد. احمد جوانی (۱۳۹۲) دموکراسی را مطلوب ایران نمی‌داند و آن را روش نرم جهان سلطه، و توطئه ای برای سیطره بر جهان می‌داند. سیده لیلا موسوی و مجید توسلی رکن آبادی (۱۳۹۵)، نگاهی نو به بازتولید اقتدارگرایی در ایران داشته و عدم توجه به فرهنگ فردیت را

1 - Vanhanen

2 - Leonardo Morlino

3 - Carothers

از عوامل اقتدارگرایی دانسته اند. پژوهش ایشان نیازمند بسطِ شواهد تجربی است. مجید استوار (۱۳۹۶) در مطالعه گذار دموکراتیک، در جمهوری اسلامی، به چستی نقشِ نخبگانِ حاکم و میدانِ سیاسی، پرداخته است. مهم ترین تلاش در مطالعه روش مند فرآیند گذار در ایران؛ پروژه «علی ساعی» ذیل برنامه پژوهشی «دموکراسی خواهی در ایران طی سال های ۱۴۰۰-۱۲۸۵» در دانشگاه تربیت مدرس است. محسن کوشافر (۱۳۸۹)، فاطمه یزدانی (۱۳۹۱)، اعظم مقدس (۱۳۹۴)، مرضیه ابو ذری لطف (۱۳۹۸)، مهدی حسینی (۱۳۹۹)، میرآرمان عدنانی اسکویی (۱۴۰۱) و محمد حسین رفیق خواه شلمانی (۱۴۰۱)، از جمله پژوهشگرانی هستند که ابعادی از موج های پیشین دموکراتیزاسیون در ایران را، ذیل این برنامه مطالعه کرده اند.

پژوهش حاضر هم در مقطع مورد مطالعه، هم در روش و هم در رویکرد نظری، از مطالعات پیشین دموکراتیزاسیون (گذار دموکراتیک) متمایز است و هم پوشانی ندارند. رویکرد پژوهش های پیشین اغلب ساختار گرایانه است. پژوهش های مطالعه کنش نخبگان نیز در مقطع مورد مطالعه و یا در روش با پژوهش حاضر متفاوت است. در این پژوهش علاوه بر مباحث تئوریک، بازگشت به اقتدارگرایی، تبیین علی شده و به بیان رخدادها و نیز تفسیر آنها پرداخته شده است.

### دستگاه نظری و مدل مفهومی پژوهش

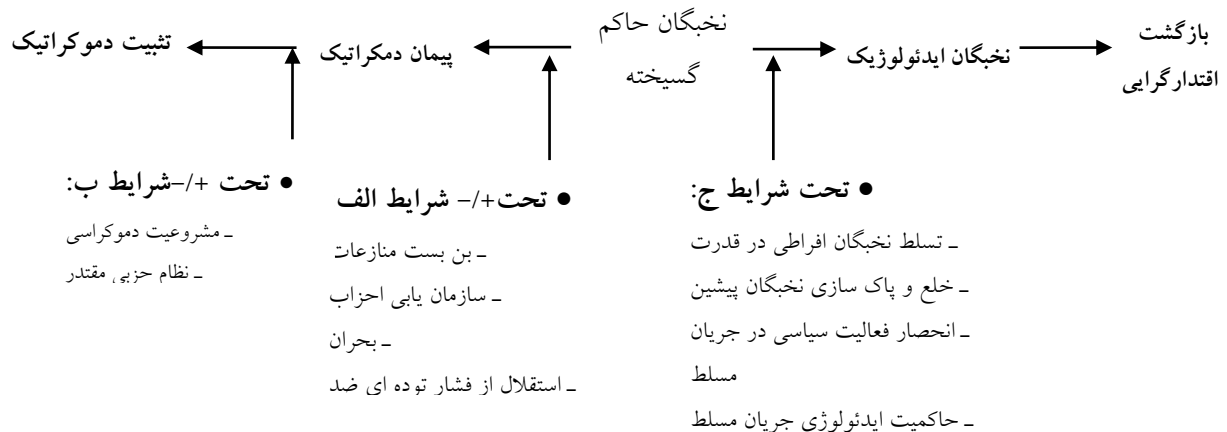
دستگاه نظری پژوهش از طریق بازسازی عقلانی - مفهومی و با تلفیق و الهام از نظریه های کنش گرای گذار، برای تبیین فرآیند دموکراتیزاسیون، به شکل زیر صورت بندی شده است.

«اگر وضعیت نخبگان حاکم، تحت شرایطی از وضعیت گسیخته به یکپارچه دموکراتیک تغییر کند، و پیمان دمکراتیک حاصل گردد؛ آنگاه تثبیت دموکراتیک در صورتی رخ خواهد داد که؛ دموکراسی از مشروعیت بالا برخوردار و یا نظام حزبی قدرتمند وجود داشته باشد».

می توان استدلال کرد، عدم تثبیت دموکراتیک / بازگشت اقتدارگرایی نیز وقتی رخ می دهد که، نقیض وضعیت تثبیت دموکراتیک، در فرآیند دموکراتیزاسیون و نیز در وضعیت و مناسبات نخبگان رخ دهد. این نقض، مبین جهت حرکت عاملان گذار نیز هست.

بر اساس تئوری گذار، فقط سه وضعیت «نخبگان حاکم گسیخته» «نخبگان یکپارچه دموکراتیک» و «نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک» برای نخبگان متصور است. در نتیجه گزاره تئوریک تثبیت اقتدارگرایی را اینگونه می توان بیان کرد «هرگاه پیمان دموکراتیک شرایط تحقق نداشته باشد، اگر وضعیت نخبگان حاکم، ایدئولوژیک باشد؛ ایدئولوژی چارچوب تبیین سیاسی است، آنگاه در نبود نظام حزبی مقتدر و نیز، نبود مشروعیت بالای دموکراسی، دموکراتیزاسیون متوقف و یا بازگشت اقتدارگرایی رخ می دهد. الگوی صورت بندی این گزاره های منطقی در نمایه (۱-۲) آمده است.

## نمایه (۱-۲) - مدل مفهومی پژوهش



نمایه ۱-۲ - دستگاه نظری پژوهش: فرآیند دموکراتیزاسیون/ بازگشت اقتدارگرایی

بر مبنای فقدان سه شرط لازم «وضعیت نخبگان گسیخته» «پیمان دمکراتیک» و «مشروعیت دموکراسی» و یا نظام حزبی نهادمند، در فرآیند دموکراتیزاسیون، و در مقام پاسخ نظری به پرسش علمی پژوهش، سه فرضیه علمی، از دستگاه نظری استنتاج شده است.

### فرضیه های پژوهش

فرضیه یک: در شرایط نبود سازمان یابی احزاب، و عدم بن بست منازعات یا عدم استقلال از فشار توده ای ضد مصالحه، حتی اگر وضعیت نخبگان حاکم، گسیخته باشد؛ پیمان دمکراتیک، شکل نگرفته، آنگاه؛ دموکراتیزاسیون، متوقف شده است.

فرضیه دوم: اگر در وضعیت نخبگان گسیخته، تحت شرایط مربوطه، پیمان دموکراتیک، شکل گرفته باشد؛ آنگاه، در صورت نبود مشروعیت بالای دموکراسی؛ و نبود نظام حزبی قدرتمند، دموکراسی، تثبیت نشده است.

فرضیه سوم: اگر وضعیت نخبگان، گسیخته نباشد و پیمان دموکراتیک، شکل نگرفته باشد؛ آنگاه تحت شرایط عدم مشروعیت بالای دموکراسی و نبود نظام حزبی نهادمند، فرآیند دموکراتیزاسیون، معکوس شده و به اقتدارگرایی، بازگشت کرده است.

در مقام داوری گزاره های تئوریک و فرضیه ها، به شواهد تجربی مراجعه و با روش تبیین تاریخی، مورد پژوهش، مطالعه و تحلیل تاریخی شده است.

## تعاریف مفاهیم بنیادین پژوهش

دستگاه نظری پژوهش از ادبیات نظری گذار الهام گرفته و نیز مفهوم محور است. این مفاهیم عبارتند از: گذار دموکراتیک<sup>(۱)</sup>: انتقال از حکومت غیردموکراتیک (Huntington; 1991, 12) به یک حکومت دموکراتیک (رجوع شود ساعی، ۱۳۹۷: ۱۳) است که از آن به عنوان «فرآیند گذار به دموکراسی» یاد می شود. نخبگان قدرت<sup>(۲)</sup>: منظور؛ کنشگران سیاسی هستند که، بر ساختارها، فرایندها و رخدادها، تاثیر تعیین کننده دارند. مصداق های آن؛ نخبگان سیاسی، نخبگان حاکم، کنشگران حزبی و نخبگان مذهبی هستند؛ که با اصطلاحاتی؛ نظیر «جناح چپ» و یا «جناح راست» و کمی بعدتر، «اصلاح طلبان» و «اصولگرایان» نیز، نام برده شده اند. وضعیت نخبگان گسیخته<sup>(۳)</sup>: وضعیتی در فرآیند گذار است که گروهها بر سر قواعد کردار سیاسی اتفاق نظر ندارند، همبستگی بین نخبگان وجود ندارد، بین آنها بی اعتمادی است و با فهم متفاوت از زندگی سیاسی آن را به مثابه؛ عرصه مبارزه «مرگ و زندگی» می دانند و شاهد کشمکش و خشونت هستیم (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۱؛ بشیریه، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۱). معرف های ارزیابی این مفهوم؛ عدم فهم مشترک از قواعد عمل سیاسی، تعاملات محدود و نامنظم و اقدامات افراطی خشونت آمیز، میان نخبگان است (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۱). وضعیت نخبگان یکپارچه دموکراتیک<sup>(۴)</sup>: در این وضعیت بین گروهها، همبستگی ارزشی و ساختاری، اتفاق نظر نسبی گروهها، بر سر قواعد کردار سیاسی، وجود دارد، رقابت ها مسالمت آمیز است و عرصه زندگی سیاسی؛ عرصه «برد و باخت» نگریسته می شود و هیچ جناحی، تسلط ساختاری و ایدئولوژیک، بر دیگران ندارد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۱). فهم مشترک از قواعد عمل سیاسی، تعاملات گسترده و منظم و حل مسالمت آمیز منازعات میان نخبگان، معرف های این مفهوم است (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۱). وضعیت نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک<sup>(۵)</sup>: در این وضعیت، یک جناح بر منابع قدرت و نیز دستگاه ایدئولوژیک، مسلط است. مرزبندی شدیدی، بین خودی (مومن و متعهد به ایدئولوژی) و غیر خودی وجود دارد، نخبگان رقیب، از قدرت خلع و کنش سیاسی، منحصر به جریان مسلط می شود. تعاملات میان نخبگان ایدئولوژیک؛ همبسته، سازمان یافته و گسترده است. حاکمیت افراطی ها بر ساختارهای ایدئولوژیک و قدرت، توزیع ایدئولوژیک منابع قدرت، انحصار فعالیت سیاسی و خلع نخبگان غیر ایدئولوژیک، معرف های این مفهوم است. بن بست منازعات<sup>(۶)</sup>: وضعیتی است که منازعه مزمن است، هیچ یک از جناحها؛ توان غلبه بر دیگر گروهها، و تحمیل سلیقه خود را ندارند. پایگاه های مردمی جناحها، پشتوانه های حقوقی و قانونی و نهایتاً ابزار زور، که شکل دهنده قدرت جناح ها هستند، معرف های ارزیابی این مفهوم هستند (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۱).

1 - Democratic Transition

2 - Power Elite

3 - Disintegrated Ruling Elites

4 - Cohesive Democratic Elites

5 - Ideologically Cohesive Elites

6 - Deadlock of Conflicts

سازمان‌یابی احزاب<sup>(۱)</sup>؛ در فرآیند گذار، مذاکرات نمی‌تواند به صورت فردی انجام شود و نمایندگی گروه‌های نخبگان؛ مستلزم سازمان‌هایی است. معرف‌ارزیابی این مفهوم، وجود احزاب و سازمان‌هایی است که، جناح‌های نخبگان معارض را نمایندگی کنند. (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۱).

استقلال از فشار توده‌ای ضد مصالحه<sup>(۲)</sup>؛ نخبگان و گروه‌های مذاکره‌کننده؛ نباید تحت فشار توده‌های ضد مصالحه باشند. وجود حرکت توده‌ای؛ با اثر منفی تعیین‌کننده بر مذاکرات و مصالحه نخبگان، معرف عملیاتی این مفهوم است. (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۲).

بحران<sup>(۳)</sup>؛ بحران پدیده‌ای است که؛ کارآمدی یک نظام را با چالش روبرو می‌سازد. بر اساس نظریه گذار، نخبگان گسیخته در صورت وجود سایر شرایط اگر با وضعیت بحران مواجه شوند پیمان دموکراتیک را شکل خواهند داد. در این پژوهش بحران، هر رویداد جدی، مهم و عمده‌ای است که؛ نیاز به حل فوری آن باشد. (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۲).

پیمان دموکراتیک<sup>(۴)</sup>؛ هرگونه پیمان یا قانون اساسی؛ که میان نخبگان وضع شود، و بر مبنای آن شیوه حکومت به صورت دموکراتیک باشد. (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۲). از دلالت‌های مصداقی آن، قانون اساسی است. در اینجا، پای بندی به اجرای قانون اساسی موجود، معرف عملیاتی این مفهوم است.

مشروعیت دموکراسی<sup>(۵)</sup>؛ وضعیتی که ساختارهای دموکراتیک؛ از حمایت و پذیرش گسترده‌ای در بین نخبگان و نیز مردم، برخوردار باشند. این مشروعیت، در دو سطح؛ نخبگان و توده‌ها، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۲).

نظام حزبی نهادمند<sup>(۶)</sup>؛ مراد؛ بررسی میزان نقش احزاب در قدرت و دروازه بانی میان مردم و دولت و میزان فعالیت‌های سیاسی از طریق احزاب است.

اقتدارگرایی<sup>(۷)</sup>؛ وضعیتی در نظام سیاسی است که دموکراسی غالباً صوری است و گذار دموکراتیک، معکوس شده است. تفکیک قوا مخدوش شده؛ قانونگذار، مجری و قاضی از هم باز شناخته نمی‌شود. (قاضی، ۱۳۶۸: ۳۷۵) و جنبه‌های تنبیهی اعمال قدرت (تسلیم)؛ بر جنبه‌های تشویقی و اطاعت‌مبتهی بر رضایت (اقناع)، فزونی می‌یابد. (گالبرایت، ۱۳۶۶: ۶۵).

## روش پژوهش

روش این پژوهش تطبیقی تاریخی است. علت برگزیدن این روش، ویژگی هستی‌شناختی، زمان‌مند، مکان‌مند و مورد محور بودن موضوع پژوهش است.

دموکراتیزاسیون به عنوان یک واقعیت اجتماعی دو مشخصه؛ عمومیت و پیچیدگی را دارد، دموکراتیزاسیون مثل هر واقعیت اجتماعی مشتمل بر ویژگی عام و جهانی واقعیت، و ویژگی خاص آن مربوط به زمان و مکان این رخداد

- 1 - Organization of Political Parties
- 2 - Populist Anti-Compromise Pressures
- 3 - Crisis
- 4 - Democratic Pact
- 5 - Legitimacy of Democracy
- 6 - Institutionalized Party System
- 7 - Authoritarianism

است. در اینجا دوره اعتدال‌گرایان به عنوان یک مورد خاص با برآیند دوره اصلاح طلبان و دموکراتیزاسیون به عنوان یک کلیت، با استفاده از مفاهیم و مولفه های دستگاه نظری برگرفته از رویکرد کنش گرای گذار مطابقت شده است. فرضیه های پژوهش از تئوری منتج شده و ابطال پذیرند، بنا بر این؛ رهیافت پژوهش، عقلانیت انتقادی است. در این رهیافت، تفاوت ذاتی؛ میان فرضیه و تئوری وجود ندارد بنا بر این در فرضیه ها، به جای متغیر، از مفاهیم استفاده شده است (ساعی، ۱۳۹۸: ۶۹). در اینجا فرضیه، قضیه ای شرطی است که؛ چرایی رخداد، در بستر تاریخی را بیان و دلایل رخداد را تبیین می کند.

شیوه گردآوری اطلاعات: شیوه؛ کتابخانه ای، روش گردآوری و ابزار مشاهده داده ها، فیش برداری از منابع کتابخانه ای، رسانه ای، خبرگزاری ها و درگاه های الکترونیکی است. واحدهای مشاهده متن هایی با موضوعات تاریخی است، که از طریق مراجع رسمی، یا پژوهشگران و تحلیل گران اجتماعی و تاریخی و یا کنشگران، پیرامون موضوع، تولید شده اند. معرف ها از منابع معتبر و صاحب نظران حوزه مربوطه، مانند آثار (هانتینگتون، علی ساعی، حسین بشیریه، حسن قاضی مرادی) اقتباس شده و بیشترین میزان انطباق را، با مفاهیم نظریه های دموکراتیزاسیون، دارد. پژوهش، مبتنی بر روش علمی و نظر صاحب نظران دموکراتیزاسیون است. مفاهیم، معرف ها و معیارها، از منابع و آثار مکتوب اندیشمندان و مراکز علمی و معتبر دانشگاهی، که در فهرست منابع آمده است، استخراج شده است و از پایایی برخوردار است..

واحد تحلیل، دوره حاکمیت اعتدال‌گرایان (۱۴۰۰-۱۳۹۲) به عنوان برشی از موج چهارم که در آن دموکراتیزاسیون متوقف و اقتدارگرایی تثبیت شده است.

### شیوه تحلیل:

رهیافت تحلیل ترکیب گرایانه و در برگیرنده تفسیر تاریخی و تحلیل علی است. برای تفسیر، از تکنیک تاریخی روایتی و برای تبیین علی از روش همبستگی استفاده شده است. در روش همبستگی، هم شباهت ها و هم تفاوت ها، تبیین کننده هستند. (ساعی، ۱۳۹۸: ۲۰۶-۲۰۵). برای بررسی وضعیت دموکراتیزاسیون، با استفاده از «روش علیت همبستگی»، یافته ها به وسیله معرف ها تبیین و حضور و غیاب شده و با تئوری، مقایسه و تحلیل می شوند. (ساعی، ۱۳۹۲: ۶۱).

برای تحلیل ترکیب علی مفاهیم، جدول ارزش (۱) را طراحی کرده ایم. با علامت (+/-) شروط علی ناظر بر تحقق یا عدم تحقق معرف ها، در دوره مورد، حضور و غیاب می شوند. شاخص معیار، از تئوری پژوهش، استخراج شده است. پژوهش کیفی است. داوری ما در تعیین ارزش ها مطلق نیست، بلکه بر اساس وضعیت غالب شواهد تجربی معرف ها است.

بر اساس ساختار نظری و جدول (۱)، معادله وضعیت تثبیت دموکراتیک، به شکل زیر است. در این معادله، علامت (\*) نشانه «و»، علامت (+) نشانه «یا» ی منطقی و علامت (~) نشانه فقدان شرط است.

$$\text{Outcom}(\text{تثبیت دموکراتیک}) = F2(c2; a1 * a2 * a3 * a4; b1 + b2)$$

وضعیت نقیض این ارائه منطقی، به شکل زیر، مبین بازگشت اقتدارگرایی است.

$$\text{Outcom}(\text{بازگشت به اقتدارگرایی}) = F3(c3; \sim a1 + \sim a2 + \sim a3 + \sim a4; \sim b1 * \sim b2)$$

حضور و غیاب این شروط علی و نحوه ترکیب آنها، وضعیت نخبگان و وضعیت گذار را، تبیین می کند.

## یافته های پژوهش

تحلیل تفسیری تاریخی دوره اعتدالگرایان (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

### وضعیت نخبگان:

دوره حکومت اعتدالگرایان به ریاست حسن روحانی یک تغییر پارادایم اساسی در **قواعد مورد عمل سیاسی** رخ داد. بررسی نشان می دهد که پس از سرکوب اعتراضات سال ۱۳۸۸ و حذف نخبگان جناح مخالف، مناقشات صرفاً سیاسی نخبگان عینیت و نمود پیشین خود را از دست داد. این امر فضای سیاسی را به سمتی سوق داد که بستر اصلی منازعات از موضوعات سیاسی به مسائل اقتصادی تغییر یافت (میدری، ۱۳۹۴). وضعیت بحرانی اقتصاد ایران در پایان دولت اصولگرا، شامل افت ارزش پول، تورم ۴۰ درصدی، رشد منفی و بیکاری، به همراه بن بست در مذاکرات هسته ای، جامعه را به سوی انتخاب گزینه ای متفاوت سوق داد. مقایسه عملکرد اقتصادی دولت احمدی نژاد با درآمد نفتی بی سابقه با دولت خاتمی، عمق این بحران را نشان می دهد (موسوی، ۱۳۹۸). این شرایط، پیروزی حسن روحانی که نماد ائتلافی از اصلاح طلبان، اعتدال گرایان و حتی بخشی از اصولگرایان بود را ممکن ساخت ("تحلیلی جامع از انتخابات ۹۲"، ۱۳۹۲).

دولت روحانی بر پایه گفتمان «اعتدال» شکل گرفت که هسته مرکزی آن «توسعه اقتصادی» به عنوان پیش نیاز «توسعه سیاسی» بود (ستاد کل نیروهای مسلح، بی تا). این گفتمان، که با آرمان خواهی واقع بینانه تعریف می شد (یوسفی و دیگران، ۱۴۰۱)، در تقابل با گفتمان اصلاح طلبی قرار داشت که توسعه سیاسی را پیش نیاز می دانست. بنا بر این مؤلفه های این گفتمان بر پایه اقتصاد نئولیبرال، عقلانیت، خصوصی سازی، جذب سرمایه گذاری خارجی تعامل سازنده با جهان، و دولت حداقلی استوار بود (زائر کعبه و دیگران، ۱۳۹۸؛ موسوی و همکار، ۱۳۹۸). در سیاست خارجی نیز سیاست «تعامل سازنده» ابزار کلیدی برای تحقق این توسعه اقتصادی و رفع تحریم ها بود. این رویکرد مبتنی بر واقع گرایی، پرهیز از ایدئولوژیک کردن روابط خارجی و عمل بر اساس منافع ملی تعریف می شد (متقی و همکار، ۱۳۹۹؛ فرهادی نسب و دیگران، ۱۴۰۲). توافق برجام (۱۳۹۴) نماد عینی این راهبرد بود ("داستان سعید جلیلی"، ۱۳۹۴). اما اصلاح طلبان، به ویژه طیف رادیکال، بر زمین ماندن توسعه سیاسی و تقلیل آمال خود به تغییر در رویکردها (و نه ساختارها) را نقض غرض می دانستند (عبدالهی، ۱۳۹۱؛ حجاریان، ۱۴۰۰). اصولگرایان گفتمان توسعه گرای دولت روحانی را نشانه ای از لیبرالیسم و غربی شدن می دانستند و در مقابل «الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی» را که توسط رهبری طرح شده بود، قرار می دادند ("نقدی بر بازپروری الگوی توسعه"، ۱۳۹۴؛ رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۳). این الگو درونزا، عدالت محور، تولید گرا و متکی بر ظرفیت های داخلی و اقتصاد مقاومتی تبلیغ می شد. در این نگاه نه اقتصاد، بلکه فرهنگ و بنیان های توحیدی زیربنای پیشرفت است (عبدالهی، ۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی پس از تحریم ها مطرح شد (احمدی، ۱۳۹۴؛ رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۳) و ستون فقرات راه حل اقتصادی اصولگرایان در تحریم های هسته ای بود و بر تولید داخلی و خودکفایی تاکید داشت. در حالی که اعتدال گرایان راه حل را در رفع تحریم ها از طریق دیپلماسی می دیدند. این تقابل نظری در عمل حتی به منازعاتی بر سر اجرای اسنادی مانند «سند ۲۰۳۰ یونسکو» از سوی اعتدال گرایان در مقابل «سند ملی آموزش و پرورش» از سوی اصولگرایان انجامید (میرزایی، ۱۴۰۰).

تقلیل سطح تقاضاها و مسائل سیاسی به منازعات در سطوح پایین و فرعی، قاعده کلیدی عمل سیاسی در این دوره بود. تقاضا برای تغییرات ساختاری به تغییرات تاکتیکی و اقتصادی تقلیل یافته بود. اقتدارگرایان حاکم با سرکوب تقاضاهای سیاسی در دوره قبل، امکان منازعه بر سر قواعد اساسی را از بین برده بودند. لذا دولت روحانی محصول یک ائتلاف تاکتیکی بین جناح‌ها برای حل بحران اقتصادی بود، نه دولتی برای تغییر ساختار قدرت ("عملکرد یک سال و نیم دولت روحانی"، ۱۳۹۳؛ "درآمدی بر آغاز و انجام دولت تدبیر و امید"، ۱۴۰۰). بنا بر این قواعد ایدئولوژیک نظام سیاسی شامل نقش نهادهای غیرانتخابی و خط‌قرمزها بدون تغییر باقی ماند و کنش‌ها و تنش‌ها عمدتاً در مسائل اجرایی و فنی جریان داشت.

### تعاملات بین جناحی

تعاملات بین جناحی در دوره اعتدال‌گرایان عمدتاً در فضایی رقابتی، همراه با بی‌اعتمادی و گاه خصومت‌آمیز جریان داشت. دولت ائتلافی حسن روحانی از ابتدا با مخالفت شدید جناح تندرو اصولگرا مواجه شد. این جناح، که مجلس نهم را در اختیار داشت، پیروزی روحانی را «میلیمتری و شکننده» خواند و در تقابل با امکان تغییر رویکرد هشدار می‌داد که پرداختن به «توسعه سیاسی» منجر به «شورش سیاسی» خواهد شد ("تحلیلی جامع از انتخابات ۹۲"، ۱۳۹۲). آنها ابتدا سعی کردند با استناد به پیشینه روحانی در جامعه روحانیت مبارز، او را در دایره اصولگرایی مصادره کنند، اما با گرایش دولت به استفاده از نیروهای معتدل و اصلاح‌طلب، رویه تقابل و تحکم را در پیش گرفتند (ساعی، ۱۴۰۰؛ الله کرم، ۱۳۹۲). منازعه جناحی عمدتاً حول دو محور اصلی شکل گرفت. محور اول برجام و سیاست خارجی بود. سیاست تقابل اصولگرایان تندرو از همان ابتدا با سیاست «تعامل سازنده» و مذاکره برای حل مسئله هسته‌ای ناسازگار بود. آنها برجام را نشانه تسلیم و بازندگی ایران می‌دانستند و پس از امضای آن، با اقداماتی مانند رزمایش موشکی با شعار «محو اسرائیل» بلافاصله پس از توافق، به ایجاد بحران برای دولت پرداختند ("پیام موشکی سپاه به زبان عبری"، ۱۳۹۴). این اقدام باعث تنش بین‌المللی و ایجاد مشکل در فرآیند اجرای برجام شد و از دید دولت، اقدامی عمدی برای «برهم زدن برجام» بود (روحانی، ۱۳۹۶؛ میرزایی، ۱۴۰۰). همچنین دوقطبی دیپلماسی - میدان در سیاست خارجی نیز شکل گرفت. تقابل به «دیپلماسی» دولت و «میدان» نهادهای نظامی (به ویژه سپاه قدس) کشیده شد. این دوگانگی به حدی بود که سفر بشار اسد به تهران و دیدار با رهبری بدون اطلاع وزارت خارجه انجام شد و به استعفای محمدجواد ظریف در اسفند ۱۳۹۷ انجامید ("ناگفته‌های استعفای ظریف"، ۱۳۹۹). ظریف استعفای خود را «تلنگری برای بازگشت وزارت خارجه به جایگاه قانونی» خواند. اصولگرایان این دوگانگی را طبیعی می‌دانستند و معتقد بودند وزارت خارجه «مجری» سیاست خارجی است نه «تصمیم‌گیر» (میرزایی، ۱۴۰۰؛ "وزارت خارجه مرجع تضارب آراء نیست"، ۱۴۰۰). محور دوم منازعه، مجلس عرصه نزاع بود. مجلس نهم با دولت روحانی رابطه بسیار چالشی داشت. از وزرای پیشنهادی سه وزیر رد صلاحیت شدند. استیضاح‌های متعددی (مانند استیضاح وزرای علوم، آموزش و پرورش و راه) صورت گرفت و تعداد تذکرات و سوالات از دولت به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. ۶۵٪ از کل سوالات مجلس نهم در زمان این دولت مطرح شد ("مجلس نهم و دولت یازدهم"، ۱۳۹۵). با این حال، تصویب برجام در این مجلس با مدیریت علی لاریجانی، نقطه عطفی در همکاری نسبی بود (ساعی، ۱۴۰۰). در مجلس دهم با وجود حضور پررنگ‌تر اصلاح‌طلبان، اقلیت اصولگرا همچنان خبرساز بودند. حوادثی مانند لغو سخنرانی

علی مطهری نایب رئیس مجلس در مشهد به دستور دادستانی باعث واکنش تند رئیس جمهور و رئیس مجلس شد ("اتفاقات مشهد و اختیارات رئیس جمهور"، ۱۳۹۵)، بازداشت موقت محمود صادقی نماینده تهران و نطق‌های جنجالی درباره حصر، فضای مجلس را ملتهب نگه می‌داشت. استیضاح‌های متعدد وزرای دولت در پایان دوره (ربیع، زنگنه، حاجی میرزایی) نشان‌دهنده تلاش برای بی‌ثبات کردن دولت بود (مهاجری، ۱۳۹۵؛ مازنی، ۱۳۹۷). مجلس یازدهم اصولگرا نیز در اواخر عمر دولت اعتدالگرا با تصویب «قانون اقدام راهبردی» (آذر ۱۳۹۹) که دولت را ملزم به محدود کردن بیشتر فعالیت‌های هسته‌ای می‌کرد، عملاً مانع بزرگی بر سر راه دیپلماسی برای احیای برجام ایجاد کرد. روحانی این قانون را عامل از دست رفتن فرصت برای رفع تحریم‌ها دانست (روحانی، ۱۴۰۰) تقابل‌ها گاه با خشونت کلامی و گاهی فیزیکی همراه بود و فضای حاکم را خصمانه می‌کرد. از شعارهای توهین‌آمیز در راهپیمایی‌ها و نماز جمعه (مانند هجو روحانی توسط یک مداح در نماز عید فطر) تا حمله فیزیکی به ولی‌الله سیف (رئیس کل بانک مرکزی) در مجلس و تهدید به بتن‌ریزی روی علی صالحی (رئیس سازمان انرژی اتمی) در جلسه بررسی برجام، خشونت ورزی بود که نشان از عمق اختلافات داشت ("تهدید نمایندگان مجلس"، ۱۳۹۴؛ "حمله به رئیس کل بانک مرکزی"، ۱۳۹۷). نهادهای مختلف، قوا و حتی نهادهای فراقوه‌ای (مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام) به عرصه تقابل تبدیل شدند. عدم تصویب نهایی لوایح FATF در مجمع تشخیص، علیرغم تصویب در مجلس، که منجر به بازگشت ایران به لیست سیاه شد، نمونه بارزی از این کارشکنی‌ها بود که مطهری آن را «عمدی» دانست (مطهری، ۱۳۹۹). رسانه‌های جناحی نیز به طور مداوم به ایجاد فضای بی‌اعتمادی و فشار علیه دولت و بویژه شخص ظریف می‌پرداختند ("اعتدال و توسعه از مدار تحزب خارج شد"، ۱۴۰۰). حتی کیهان و وطن امروز با عنوان‌هایی مانند «۴ سال دروغ» به استقبال دولت دوم رفتند. علیرغم این تقابل شدید، دوره‌ای کوتاه از همکاری یا اعلام همدلی نیز وجود داشت. پس از به قدرت رسیدن ترامپ و افزایش فشارهای آمریکا، فرماندهان سپاه با روحانی دیدار و اصولگرایان بر لزوم اتحاد در برابر دشمن تأکید کردند. حتی فراکسیون ولایی مجلس بر خلاف سنت مالوف، برگزاری این جلسات را «اتحاد مسئولین» خواند و هر حرکت حاشیه‌ای را «غیرقابل بخشش» دانست.

### عدم امنیت (خشونت و تضاد) در دوره اعتدالگرایان

وجود خشونت در دوره اعتدالگرایان را می‌توان مشتمل بر خشونت ساختاری و خشونت فیزیکی یا عریان دانست. فرآیندهای انتخاباتی اصلی (ریاست جمهوری یازدهم و دوازدهم، مجلس دهم و یازدهم، و مجلس خبرگان پنجم) نشان‌دهنده اعمال سیستماتیک و گسترده «خشونت ساختاری» از طریق رد صلاحیت‌های گسترده توسط نهادهای نظارتی است. این خشونت با محاسبه دو شاخص «نسبت رد صلاحیت‌شدگان به کل داوطلبان» و نیز «تأثیر آن بر افزایش احتمال پیروزی نامزدهای تأیید صلاحیت‌شده» می‌توان سنجید (ساعی، ۱۴۰۰). نزدیک شدن به واحد ۱ به معنی خشونت بیشتر و غیر رقابتی‌تر شدن انتخابات است. در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم میزان خشونت ساختاری ۹۸۸/ بود. این خشونت، شانس پیروزی نامزدهای تأیید شده را ۷۶/۲ برابر افزایش داد. در انتخابات مجلس دهم (۱۳۹۴) میزان خشونت ساختاری ۵۰۷/ بود. این امر شانس پیروزی نامزدهای تأیید شده را ۲/۳ برابر افزایش داد. همچنین، برای اولین بار پدیده ابطال آرای منتخبین مردم (خانم مینو خالقی در اصفهان) پس از پیروزی رخ داد. در انتخابات مجلس خبرگان (۱۳۹۴) حتی پس از یک پالایش اولیه میزان خشونت ساختاری ۵۶۸/ بود. این امر شانس

پیروزی نامزدهای تأیید شده را به میزان ۲/۳۲ برابر افزایش داد. سید حسن خمینی از جمله افراد مشهور ردصلاحیت شده بود که با واکنش‌های گسترده مواجه شد ("نحوه ردصلاحیت سید حسن خمینی"، ۱۳۹۴). در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم (۱۳۹۶) میزان خشونت ساختاری ۹۹۶/ بود. این میزان خشونت، شانس پیروزی نامزدهای تأیید شده را ۲۷۲/۷ برابر افزایش داد. انتخابات مجلس یازدهم (۱۳۹۸) که ۹۰ نماینده مجلس دهم نیز ردصلاحیت شدند، میزان خشونت ساختاری ۶۷۳/ بود. این امر شانس پیروزی نامزدهای تأیید شده را به میزان ۳/۰۶ برابر افزایش داد ("اسامی کامل ردصلاحیت‌شدگان مجلس یازدهم"، ۱۳۹۸). روابط بین نخبگان و نهادها نیز از خشونت مصون نماند و به اشکال مختلف در تعاملات بین نخبگان جناح‌های رقیب و بین قوا مشاهده شد. استیضاح به عنوان ابزار حذف در رابطه مجلس نهم اصولگرا با دولت اعتدالگرا نمود داشت. دولت روحانی با ۹ مورد (۴ مورد در دوره اول و ۵ مورد در دوره دوم)، رکورددار بیشترین استیضاح وزرا در تاریخ جمهوری اسلامی شد. هدف بسیاری از این استیضاح‌ها، «ساقط کردن کل کابینه» و حتی «استیضاح خود روحانی» عنوان شده است ("می‌خواهیم کابینه را ساقط کنیم"، ۱۳۹۸). خشونت کلامی و فیزیکی نیز قابل توجه بود. نمایندگان اصولگرا، رئیس‌جمهور را مستقیماً تهدید به استیضاح و «عدم کفایت سیاسی» کردند ("تهدید به استیضاح رئیس‌جمهور"، ۱۳۹۷). مجتبی ذوالنوری (رئیس کمیسیون امنیت مجلس) حتی روحانی را مستحق «اعدام» خواند که با تذکر تلویحی رهبری مواجه شد ("تذکر به ذوالنوری"، ۱۳۹۷). حملات فیزیکی به اشخاص نیز در موارد متعددی رخ داد. حمله به حسن روحانی (۱۳ خرداد ۱۳۹۴)، حمله به علی مطهری، نایب رئیس مجلس در شیراز (۱۸ اسفند ۱۳۹۳) که به استعفای استاندار فارس انجامید، اما عاملان اصلی (که نظامی بودند) هرگز به طور کامل محاکمه نشدند ("ماجرای حمله به مطهری در شیراز"، ۱۳۹۴)، حمله به ولی‌الله سیف رئیس کل بانک مرکزی، در جلسه علنی مجلس (۲۱ فروردین ۱۳۹۷) از این قبیل بود ("حمله به رئیس کل بانک مرکزی"، ۱۳۹۷). جلسات مجلس مکرراً صحنه درگیری لفظی و فیزیکی بود. آزادی‌های مدنی و فضای رسانه‌ای و مجازی نیز علیرغم شعارهای دولت، با محدودیت‌های شدید مواجه بود. توقیف مطبوعات متعدد، سازمان گزارشگران بدون مرز را بر آن داشت تا در سال ۲۰۲۱، ایران را در رتبه ۱۷۴ از ۱۸۰ کشور از نظر آزادی مطبوعات قرار دهد ("رتبه آزادی مطبوعات ایران"، ۲۰۲۱). برخلاف وعده‌های روحانی مبنی بر عدم فیلترینگ، ایران در سال ۲۰۲۲ به عنوان یکی از سه کشور دارای بیشترین میزان سانسور اینترنت در جهان شناسایی شد و در رتبه‌بندی مهر ۱۴۰۱، ایران در رتبه دوم محدودیت‌های اینترنتی جهانی قرار داشت ("ایران دومین کشور در محدودیت اینترنت"، ۱۴۰۱).

### بن بست منازعات در دوره اعتدالگرایان

پایگاه اجتماعی جناح‌های سیاسی در دوره اعتدالگرایان دستخوش تغییرات شدیدی شد. پیروزی حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ محصول یک ائتلاف نانوشته و تاکتیکی بین جناح‌های مختلف بود. روحانی با کسب ۱۸.۶ میلیون رای (۵۰.۷۱٪) پیروز شد، در حالی که مجموع آرای کاندیداهای اصولگرا حدود ۴۴.۵٪ بود (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ ساعی، ۱۴۰۰). این پیروزی بیش از آنکه ناشی از پایگاه مستقل روحانی باشد، مرهون «اعتبار شخصی» نخبگانی مانند هاشمی و خاتمی بود که از او حمایت کردند. پیش از این حمایت‌ها، نظرسنجی‌ها سهم روحانی را تنها ۷٪ نشان می‌داد (جعفر محمدی، ۱۳۹۹). پایگاه اجتماعی او ترکیبی از طبقات متوسط به بالا و کسانی بود که به دلیل محرومیت نسبی اقتصادی و نارضایتی از دولت‌های نهم و دهم، به دنبال تغییر بودند (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ میربد و

همکاران، ۱۳۹۵). این پایگاه ائتلافی در انتخابات بعدی نیز تداوم یافت و تقویت شد. در انتخابات مجلس دهم (۱۳۹۴)، لیست امید (ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان) با کسب ۱۲۵ کرسی (۴۳.۲٪)، بزرگترین فراکسیون مجلس را تشکیل داد. در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم (۱۳۹۶)، روحانی با کسب ۲۳.۶ میلیون رای (۵۷٪) و رشد ۲۰ درصدی آرای خود نسبت به دوره قبل، مجدداً پیروز شد. این نتایج حاکی از آن بود که پایگاه اجتماعی ائتلاف حامی دولت (اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان) حدود ۵۹٪ و پایگاه اصولگرایان حدود ۴۱٪ از مشارکت‌کنندگان بود (ساعی، ۱۴۰۰). اما از نیمه دوم دولت روحانی (از ۱۳۹۷ به بعد)، این پایگاه گسترده اجتماعی به طور فزاینده‌ای دچار افول، انشقاق و سرخوردگی شد. عملکرد اقتصادی ضعیف دولت به ویژه پس از خروج آمریکا از برجام، شکاف بین وعده‌ها و واقعیات، و جدایی تدریجی اصلاح‌طلبان از دولت، به دلیل عدم تحقق مطالباتشان، عوامل کلیدی این افول بودند. رویگردانی روحانی از ادبیات اصلاح‌طلبی نیز به این سرخوردگی دامن زد (محمدی، ۱۳۹۹؛ زیباکلام، ۱۳۹۸). این افول در نتایج انتخابات بعدی به وضوح نمایان شد. در مجلس یازدهم (۱۳۹۸) مشارکت به ۴۲.۵۷٪ (کمترین میزان در تاریخ مجلس) کاهش یافت. لیست اصلاح‌طلبان در تهران کمتر از ۱۰۰ هزار رای آورد و عارف، با تنها ۶۹,۱۵۱ رای (کمتر از ۱٪ واجدین شرایط)، نفر سی و چهارم شد. این به معنای ریزش ۹۵/۷٪ آرای آنها نسبت به دوره قبل بود. اصولگرایان ۸۱٪ کرسی‌ها را تصاحب کردند (خسروی، ۱۳۹۹). در انتخابات شورای شهر ششم (۱۴۰۰) نیز آرای سرلیست اصلاح‌طلبان در تهران به ۳۶۵۵۶ رای رسید که به طور میانگین نشان‌دهنده ریزش ۹۷٪ پایگاه اجتماعی آنها نسبت به دوره قبل بود ("سقوط آزاد پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان"، ۱۴۰۰). در پایان این دوره، اصولگرایان با پایگاهی حدود ۴۰٪ از مشارکت‌کنندگان ثابت، وفادار و تکلیف‌مدار، متشکل از افراد مذهبی که تحت هر شرایطی رای می‌دهند، باقی ماندند که عمدتاً در طبقات متوسط به پایین و استان‌های مرکزی مستقر هستند (خسروی، ۱۳۹۹؛ امینی، ۱۳۹۴). در مقابل، اصلاح‌طلبان/اعتدال‌گرایان با پایگاهی ناپایدار که حول محور شخصیت‌ها و اعتبار آنها شکل گرفته بود، مواجه بودند. این پایگاه اجتماعی که زمانی نزدیک به ۶۰٪ مشارکت‌کنندگان را شامل می‌شد، به دلیل سرخوردگی از عملکرد دولت و عدم تحقق مطالبات، به طور گسترده از مشارکت سیاسی کناره‌گیری کرد و به «قهر با صندوق رأی» روی آورد. این کنش را می‌توان بیان مطالبات ناب این بخش از جامعه دانست که راهی برای بیان آن در ساختار موجود نمی‌یافت (ابطحی، ۱۴۰۰؛ محمدی، ۱۳۹۹).

### پشتوانه‌های حقوقی و نهادی

اصلی‌ترین و مؤثرترین پشتوانه حقوقی جناح اصولگرا در این دوره، نهاد نظارت استصوابی بود که از طریق شورای نگهبان اعمال می‌شد. این نهاد با رد صلاحیت گسترده رقبای سیاسی، عملاً رقابت انتخاباتی را به نفع گرایش فکری و جناحی خاص که ارزشی نامیده می‌شدند محدود و کنترل می‌کرد. آمار این رد صلاحیت‌ها که در مولفه خشونت ساختاری به آن اشاره شد گویای این واقعیت است که نظارت استصوابی به ابزاری سیستماتیک برای حذف رقبا از عرصه رقابت و تضمین برتری جناح خاصی تبدیل شده بود (ساعی، ۱۳۹۷). نهادهای فراقوه‌ای نیز، به ویژه مجمع تشخیص مصلحت نظام، نقشی پررنگ‌تر در قانون‌گذاری یافتند و به عرصه‌ای برای تقابل با دولت تبدیل شدند. برخورد با لوایح چهارگانه FATF نمونه بارز این رویکرد بود که «به محلی برای وزن‌کشی سیاسی و حتی انتقام‌جویی» از دولت روحانی تبدیل شد و سرانجام تصویب هم نشد و مسکوت ماند ("مساله اف‌ای تی اف و وزن

کشی سیاسی" (۱۳۹۷)، به عقیده علی مطهری، مجمع تشخیص مصلحت عمداً تصویب لوایح را به تأخیر انداخت تا مهلت ایران تمام شود و کشور مجدداً در لیست سیاه قرار گیرد (مطهری، ۱۳۹۹). قوه مقننه نیز با تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت به عرصه تقابل با دولت و محدود کردن دامنه عمل آن تبدیل شده (آذر ۱۳۹۹) بود. حسن روحانی این قانون را نمونه بارز «دخالق قوه تقنینی در امور اجرایی» دانست ("قانون اقدام راهبردی؛ دخالت مجلس در امور اجرایی"، ۱۳۹۹). تغییر قوانین انتخاباتی برای خنثی کردن اعتراض از طریق عدم مشارکت مردم نیز از دیگر پشتوانه‌های قانونی بود؛ کاهش نصاب اکثریت مورد نیاز برای پیروزی در انتخابات مجلس از ۵۰٪+۱ به ۲۰٪ واجدان شرایط، تضمین می‌کرد که حتی با مشارکت پایین، نتایج به نفع قدرت عمل کند (خسروی، ۱۳۹۹). در مجموع، در دوره اعتدال‌گرایان یک موازنه نابرابر حاکم بود. جناح اصولگرا با تسلط کامل بر ابزارهای حقوقی، قانونی و نهادهای نظارتی (شورای نگهبان، مجمع تشخیص، مجلس و دستگاه قضایی) امکان هرگونه رقابت واقعی را از رقبای سلب می‌کرد. جناح اصلاح طلب و دولت اعتدالگرا اگرچه از پایگاه اجتماعی گسترده‌تری برخوردار بودند، اما فاقد هرگونه پشتوانه نهادی و حقوقی مؤثر برای پیشبرد برنامه‌های خود یا مقابله با محدودیت‌ها بودند.

### ابزارهای زور و سرکوب

در این دوره، بکارگیری ابزارهای زور نه تنها تداوم یافت، بلکه به صورت نهادینه و قانونی تقویت شد. تصویب طرح «تقویت بسیج» در مجلس دهم، با هدف گسترش دایره اختیارات و نفوذ بسیج در قشرها و جایگاه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، به طور رسمی ابزارهای برخورد قهرآمیز را در اختیار اصولگرایان قرار داد و تقویت کرد ("تصویب طرح تقویت بسیج"، ۱۳۹۴) کنترل ابزارهای قهری به نحوی سامان یافت که حتی در درون دولت اعتدالگرا نیز اختیار و انحصار ابزار زور قوه مجریه در دست جناح رقیب قرار گرفت. عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور از جناح اصولگرا، به عنوان «جانشین فرماندهی کل قوا در نیروی انتظامی» منصوب شد. وی خود تصریح می‌کرد که این حکم را مستقیماً از رهبری دریافت کرده تا منویات ایشان را پیگیری کند. این امر عملاً اختیار استفاده از نیروی انتظامی را در اختیار وزیری از جناح اصولگرا قرار داد ("جانشین فرمانده کل قوا در ناجا"، ۱۳۹۲). اقدامی که دوره اصلاح طلبان اتفاق نیفتاد. ابزار زور به شیوه‌های مستقیم و خشونت‌آمیز برای سرکوب و ارعاب نخبگان سیاسی نیز به کار گرفته شد. بازداشت محمود صادقی، ممانعت از سخنرانی علی مطهری، و حمله فیزیکی به مطهری در شیراز که منجر به استعفای استاندار فارس شد (اما عاملان اصلی هرگز به طور کامل محاکمه نشدند) از نمونه‌های این رویکرد بود ("بازداشت محمود صادقی"، ۱۳۹۵؛ "ماجرای حمله به مطهری"، ۱۳۹۴). ابزار زور در قالب تهدید سیستماتیک نمایندگان مجلس برای کنترل رای و رفتار آنها نیز به کار رفت؛ تهدید نمایندگان از طریق پیامک برای رای منفی به برجام یا لوایح FATF نمونه‌ای از این موارد است. سمیه محمودی نماینده مجلس اعلام کرد به او پیام داده شده بود: «اگر این مسأله رای بیاورد، تو را با خاک یکسان می‌کنیم» ("تهدید نمایندگان از طریق پیامک"، ۱۳۹۴). تهدید به رد صلاحیت نیز از دیگر اشکال خشونت بود؛ به نمایندگان گفته شد اگر در دفاع از وزیر کار صحبت کنند، در انتخابات بعدی تایید صلاحیت نخواهند شد ("تهدید به رد صلاحیت نمایندگان"، ۱۳۹۴). اقدامی که بعداً تکذیب شد. نتیجه اینکه استفاده از ابزار زور، سیستماتیک و نهادینه شده بود و این ابزارها در سه سطح؛ قانونی، اجرایی و

عملیاتی فعال بودند. این مکانیسم در کنار هم، یک محیط رعب آور و ناامن برای کنشگری سیاسی نخبگان خارج از حلقه قدرت ایجاد می کرد و امکان رقابت را محدود می کرد.

### بحران های دوره اعتدالگرایان

این دوره با تعدد و تراکم بحران های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در سطحی بی سابقه همراه بود که در نهایت به افول کامل پایگاه اجتماعی دولت و تشدید نارضایتی عمومی انجامید. بحران های امنیتی شامل ترورهای فراملی و حملات تروریستی داعش به مجلس و آرامگاه بنیان گذار جمهوری اسلامی (خرداد ۱۳۹۶، با ۱۸ کشته) و حمله به رژه نیروهای مسلح در اهواز (شهریور ۱۳۹۷، با ۲۵ کشته) بود ("حملات تروریستی مجلس و اهواز"، ۱۳۹۶؛ "حمله به رژه اهواز"، ۱۳۹۷). اوج این بحران ها، ترور قاسم سلیمانی توسط آمریکا در دی ۱۳۹۸ و پاسخ موشکی ایران به پایگاه عین الاسد بود ("ترور سلیمانی و پاسخ موشکی"، ۱۳۹۸). فاجعه سقوط هواپیمای مسافری اوکراین (پرواز PS752) که منجر به کشته شدن ۱۷۶ سرنشین آن شد و انکار چندروزه مسئولان و سپس اعتراف به آن، بحران اعتماد عمومی و بین المللی عظیمی ایجاد کرد ("فاجعه هواپیمای اوکراینی"، ۱۳۹۸). این دوره شاهد مرگ چندین نخبه کلیدی مانند شاهرودی، محمدیزدی و اکبر هاشمی رفسنجانی (دی ۱۳۹۵) بود که جایگزینی های بعدی در رأس نهادهای مهم، همگی از جناح سنتی اصولگرا بودند در پی داشت و موازنه قوا را به نفع جناح اصولگرا تغییر داد ("درگذشت هاشمی رفسنجانی"، ۱۳۹۵). بحران اقتصادی پس از امید اولیه به بهبودی، به وضعیتی غیرقابل کنترل تبدیل شد. دوره امیدواری (۱۳۹۲-۱۳۹۵) با امضای برجام، دولت موفق شد رشد اقتصادی منفی را به مثبت ۷٪ برساند و تورم ۴۰٪ را به ۹٪ کاهش دهد. اما دوره فروپاشی امید (۱۳۹۶ به بعد) با خروج ترامپ از برجام (اردیبهشت ۱۳۹۷) و بازگشت تحریم های شدیدتر رخ داد ("خروج ترامپ از برجام"، ۱۳۹۷). اقتصاد ایران وارد یک رکود تورمی عمیق شد؛ قیمت دلار به ۳۰ هزار تومان و سکه به ۱۵ میلیون تومان رسید (مهر ۱۳۹۹). این وضعیت، همراه با شیوع همه گیری کرونا (بهمن ۱۳۹۸)، بحران اقتصادی بی سابقه ای را رقم زد ("رکود تورمی و شیوع کرونا"، ۱۳۹۹). بحران های اجتماعی و اعتراضات سرکوب شده نیز تقریباً نتیجه قابل پیش بینی این وضعیت بود. نارضایتی اقتصادی و سیاسی به دو موج بزرگ اعتراضی منجر شد، اعتراضات دی ۱۳۹۶ که از مشهد آغاز و به بیش از ۱۰۰ شهر کشیده شد و با شعارهای ضد حکومتی همراه بود. بر اساس آمارهای مختلف، بین ۲۰ تا ۵۴ نفر کشته و حدود ۵۰۰۰ نفر بازداشت شدند ("اعتراضات دی ۱۳۹۶"، ۱۳۹۶). اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در واکنش به افزایش ناگهانی ۲۰۰ درصدی قیمت بنزین، ۲۹ استان کشور را در بر گرفت و از نظر گستره، خشونت و میزان خسارت بی سابقه بود. برآوردها از حداقل ۲۳۰ تا بیش از ۱۵۰۰ کشته حکایت دارد. برای کنترل اعتراضات، اینترنت سراسر کشور به مدت ۶ روز به طور کامل قطع شد ("اعتراضات آبان ۱۳۹۸"، ۱۳۹۸؛ "قطع اینترنت در آبان ۱۳۹۸"، ۱۳۹۸). بحران همه گیری کرونا نیز به دلیل تصمیمات نادرست و تحریم ها، به فاجعه انسانی بزرگی تبدیل شد؛ مراکز تحقیقاتی، تعداد مرگ های واقعی را بین ۲۸۲,۳۷۸ تا ۳۶۴,۴۱۷ مورد حدود ۱.۹ برابر آمار رسمی تخمین زدند ("تخمین مرگ های واقعی کرونا"، ۱۴۰۱). دوره اعتدالگرایان را می توان دوره ای دانست که در آن بحران های ناشی از مسائل حل نشده داخلی با عوامل خارجی و حوادث غیر مترقبه انباشته و تشدید شد و در نهایت به انفجارهای اجتماعی خونین منجر گردید. عملکرد دولت در مدیریت این بحران ها منجر به افول کامل اعتماد عمومی و سرخوردگی گسترده شد.

### استقلال از فشار توده ای ضد مصالحه

دولت ائتلافی اعتدالگرایان از ابتدا با یک پایگاه اجتماعی لرزان و شکننده مواجه بود. نداشتن یک پایگاه ایدئولوژیک مستحکم، دولت را در معرض فشارهای متعدد و گاه متعارض قرار داد. فشار سیاسی اجتماعی هواداران رقبای جناح مقابل غیر قابل اغماض و کتمان بود. فشار هواداران برای تحقق مطالبات اقتصادی و وعده‌های بهبود اقتصادی که دلیل اصلی رأی مردم نیز بود، مضاعف شد. تحقق این مطالبات در کوتاه مدت با موانع داخلی و خارجی (تحریم‌ها) روبرو شد و نارضایتی عمومی فزاینده‌ای ایجاد کرد. فشار مطالبات سیاسی و فرهنگی متحدان تاکتیکی اصلاح طلب (به ویژه در حوزه آزادی‌های مدنی و سیاسی) نیز همزمان با رویکرد محتاطانه روحانی در تضاد بود. این فشارها، دولت را در موقعیتی دفاعی و محتاطانه قرار داد و مانع از آن شد که بتواند برنامه خود را با استقلال و قاطعیت پیش ببرد. علاوه بر این، فشارهای سازمان یافته جناح رقیب برای تضعیف دولت، خصوصاً تندروها که پایگاه اجتماعی روحانی را شکننده و «قابل کنده شدن» می دانستند، نیز وجود داشت. آنها یک ستاد فشار هماهنگ را به کار گرفتند که شامل فشارهای رسانه‌ای، تبلیغاتی، فرهنگی و مذهبی به میدان کشاندن توده ها بود. سرانجام، بروز فشار توده‌ای در قالب اعتراضات خیابانی و ناشی از نارضایتی‌های انباشته، بزرگترین چالش برای دولت و عامل اصلی محدود کننده استقلال عمل آن بود. اعتراضات آبان ۱۳۹۴ در اعتراض به یک برنامه تلویزیونی با درگیری‌های محدود قومیتی کنترل شد. اما اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ با مسائل معیشتی آغاز شد و به سرعت سیاسی شد و «کلیت ساختار سیاسی» را زیر سوال برد. به گفته وزیر کشور، این اعتراضات ۱۰۰ شهر را دربرگرفت و منجر به دستگیری ۵۰۰۰ نفر و حداقل ۲۰ نفر کشته شد («اعتراضات دی ۱۳۹۶»، ۱۳۹۶). در نهایت اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در واکنش به افزایش ناگهانی قیمت بنزین آغاز شد، از همان ابتدا شعارهای ضدحکومتی بود و به سرکوب خونین (با صدها کشته) و قطع کامل اینترنت منجر شد («اعتراضات آبان ۱۳۹۸»، ۱۳۹۸). با این فشارهای چندلایه و گسترده، دولت اعتدالگرا به سمت رویکردی انفعالی و «کج دار و مریز» سوق داده شد. این دولت نه توانست مطالبات اقتصادی پایگاه خود را برآورده کند، نه به وعده‌های سیاسی و فرهنگی متحدان اصلاح طلب خود عمل نمود و نه در مقابل فشارهای جناح رقیب ایستادگی مؤثری نشان داد. پیامد نهایی این وضعیت، انفعال دولت و سرخوردگی پایگاه اجتماعی بود. مردم و به ویژه اصلاح طلبان، که مشارکت ائتلافی خود را «مصادق گدایی قدرت» می دانستند، با بی اعتمادی و بی تفاوتی واکنش نشان دادند. این امر در کاهش شدید مشارکت انتخاباتی در مجلس یازدهم و انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ تجلی یافت و نشان داد که دولت اعتدالگرا در نهایت نتوانست نه تنها از فشار توده‌ای ضد مصالحه مستقل عمل کند، بلکه پایگاه اجتماعی خود را نیز به طور کامل از دست داد.

### بررسی پیمان دموکراتیک

در خصوص پیمان دموکراتیک می توان گفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این دوره (همانند قبل) فاقد اجماع و تفسیر واحد بود و با چالش های ساختاری و تبعیض های نهادینه شده دینی، مذهبی، جنسیتی و فقهی مواجه بود. مواجه بود (کدیور، ۱۳۹۷). تفسیر اقتدارگرایانه و انقباضی از قانون اساسی نیز مزید بر علت بود؛ نهادهای ناظر برداشتی پدرسالارانه و محدودکننده داشتند. به عنوان مثال، احمد جنتی (دبیر شورای نگهبان) مردم را «ایتام» و علما را «قیم» آنها می دانست و حق نمایندگان را در ارائه طرحهای مخالف شرع نفی میکرد (محمدنیا بهابادی، ۱۳۹۸). این

تفسیر، خود را در نظارت استصوابی فزاینده و رد صلاحیت‌های گسترده نشان می‌داد. همچنین، نقش غیررسمی نهادهای مذهبی که ماوای جناح اصولگرا بود مانند (جامعه مدرسین) بدون نیاز به پاسخگویی شفاف، از طریق لابی‌های قوی و پرداخته در پشت پرده، خط قرمزهای خود را اعمال و از تحقق بسیاری از حقوق مدنی (مانند حضور زنان در ورزشگاه‌ها یا برگزاری کنسرت) جلوگیری می‌کردند قابل اغماض نبود. نتیجه اینکه در دوره اعتدال‌گرایان، هیچ پابندی مشترکی به اجرای کامل و دموکراتیک قانون اساسی وجود نداشت. دولت اعتدالگرا نیز نتوانست یا نخواست در برابر این تفسیر انقباضی ایستادگی کند، بنابراین پیمان دموکراتیک نه تنها محقق نشد، بلکه خود به منبع مشروعیت بخشی به تثبیت وضعیت اقتدارگرایانه تبدیل شد.

### بررسی نظام حزبی نهاده‌مند

از الزامات نظام‌های دموکراتیک وجود نظام حزبی مقتدر است اما وضعیت احزاب در دوره اعتدال‌گرایان، ادامه ضعف مزمن و عدم نهادینه شدن سیستم حزبی در ایران بود. احزاب نتوانستند به عنوان ابزار اصلی نمایندگی منافع، تجمیع مطالبات و کانال ارتباطی مردم و دولت عمل کنند. علیرغم تعدد کمی، ضعف کیفی وجود داشت. در این دوره، تعداد احزاب به ۲۵۰ حزب رسید، اما تنها حدود ۵۰ تشکل فعال بودند و بقیه صرفاً در زمان انتخابات فعال می‌شدند. احزاب به «بنگاه کاریابی» برای اعضای خود تبدیل شده بودند و فاقد توانایی ایده پردازی و ارائه برنامه برای اداره کشور بودند (عبدی، ایران در آستانه انتخابات، ۱۲۹).

دولت روحانی اقداماتی مانند فعال سازی مجدد خانه احزاب و تهیه پیش نویس قانون جدید احزاب انجام داد، اما این اقدامات نتوانست بر مشکل اصلی، یعنی نقش کم رنگ احزاب در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور غلبه کند. در واقع اقدامات دولت نمودی صوری داشت و تصمیمات مهم همچنان به صورت غیرحزبی گرفته می‌شد. به جای احزاب، شبکه‌های قدرت، پدرخوانده‌ها و نهادهای غیرانتخابی بودند که دست به جابجایی مهره‌های سیاسی می‌زدند (حسینی، ۱۳۹۹). این امر باعث تداوم روابط ناروشتن و غیررقابتی در عرصه سیاسی شده بود. در نتیجه در دوره اعتدال‌گرایان نیز، نظام حزبی مقتدر و نهادمندی شکل نگرفت. احزاب نتوانستند نقش دروازه بانی بین مردم و دولت را ایفا کنند و کماکان حاشیه نشین ساختار قدرت بودند. توسعه کمی احزاب، بدون پشتیبانی کیفی و تغییر در ساختار تصمیم‌گیری، نتیجه‌ای در بر نداشت.

### مشروعیت دموکراسی

علیرغم میل مردم به دموکراسی به عنوان یک آرمان (ارزشها و نگرشهای ایرانیان، ۱۳۷۹) با این حال، ساختار قانونی جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که امکان تحقق دموکراسی لیبرال را به طور ذاتی منتفی می‌سازد (استوار، ۱۳۹۶). ساختار قدرت در قانون اساسی بر خلاف دموکراسی‌های مدرن بر امتزاج نهاد دین و دولت و تفوق نهاد دین (ولایت فقیه، شورای نگهبان) استوار است و نهادهای غیرانتخابی دارای اختیارات گسترده هستند (نظارت استصوابی، تنفیذ رهبر، تعیین سیاستهای کلی توسط مجمع تشخیص). نهاد انتخابات نقش بسیار محدودی در تعیین سرنوشت کشور دارد. برخی صاحب نظران دموکراسی در ایران را دموکراسی صوری می‌دانند و قائلند در ایران «مراسم انتخاباتی» داریم، نه دموکراسی واقعی (روزنامه شرق، ۲۲ تیر ۱۳۹۹). همین شکل صوری نیز به دلیل عملکرد ضعیف اقتصادی دولت‌ها، توسط نیروهای ایدئولوژیک و برای منکوب گفتمان قدرتمند رقیب، به عنوان «علت العلل مشکلات» معرفی

می شد. نتیجه اینکه اگر چه میل به دموکراسی در جامعه ایران وجود داشت، اما ساختار سیاسی حاکم به طور سیستماتیک مانع تحقق آن بود. دوره اعتدالگرایان نیز نتوانست تغییری در این ساختار ایجاد کند، بنابراین مشروعیت دموکراسی در محاق رفت و نزد مردم و نخبگان اولویت خود را از دست داد.

### تحلیل علی (تبیینی)

اینک مفاهیم داده های تبیین کننده وضعیت معرف های دموکراتیزاسیون، در جدول (۲)؛ حضور و غیاب و ارزشیابی شده است. برای امکان مقایسه تطبیقی، هم وضعیت مفروض مفاهیم دستگاه نظری بر گرفته از تئوری های کنش گرای گذار و هم نتیجه اجمالی مطالعه شده دوره اصلاح طلبان (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۹) در جدول ارزش آورده شده است.

جدول (۲) جدول ارزش گذاری وضعیت دموکراتیزاسیون در موج چهارم

| مورد (A)<br>دوره اصلاح طلبان | مورد (C):<br>دوره اعتدالگرایان<br>(۱۳۹۲-۱۴۰۰) | معیار شاخص<br>تثبیت دموکراتیک<br>(تئوری/دستگاه نظری) | موردها<br>علل موثر بر گذار              |
|------------------------------|-----------------------------------------------|------------------------------------------------------|-----------------------------------------|
| -                            | +                                             | -                                                    | C3 وجود وضعیت نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک |
| +                            | -                                             | +                                                    | C2 وجود وضعیت نخبگان گسیخته             |
| -                            | -                                             | +                                                    | a1 بن بست منازعات                       |
| -                            | +                                             | +                                                    | a2 وجود بحران موثر                      |
| -                            | -                                             | +                                                    | a3 استقلال از فشار توده ای ضد مصالحه    |
| +                            | +                                             | +                                                    | a4 وجود سازمان یابی احزاب               |
| -                            | -                                             | +                                                    | G شکل گیری پیمان دموکراتیک              |
| -                            | -                                             | +                                                    | b1 وجود نظام حزبی قدرتمند               |
| +                            | -                                             | +                                                    | b2 وجود مشروعیت دموکراسی                |
| F1                           | f3                                            | f2                                                   | وضعیت دموکراتیزاسیون: F                 |

توضیح جدول: c1: وضعیت نخبگان یکپارچه دموکراتیک، c2: وضعیت نخبگان گسیخته، c3: وضعیت نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک، f1: گذار دموکراتیک، f2: تثبیت دموکراتیک، f3: بازگشت به اقتدارگرایی.

بر مبنای این داده ها؛ معادله ترکیب شروط علی؛ برای موردها استخراج و در قالب معادله زیر، تدوین شد.

$$\text{Outcom:T(وضعیت تثبیت دموکراتیزاسیون در تئوری)} = F(c2*a1*a2*a3*a4)$$

$$\text{Outcom:A(وضعیت دموکراتیزاسیون مورد اصلاح طلبان)} = F(c2*\sim a1*a2*\sim a3*a4)$$

$$\text{Outcom:C(وضعیت دموکراتیزاسیون مورد اعتدالگرایان)} = F(c3*a1*a2*\sim a3*a4)$$

در مورد اصلاح طلبان می توان گفت در این مورد وضعیت نخبگان گسیخته بود، بحران حاد وجود نداشت، فشار توده ای وجود داشت، سازمان یابی احزاب مطلوب بود، دموکراسی اقبال مناسبی داشت اما اگر چه به پیمان دمکراتیک منجر نشد اما با اقبال نخبگان و مردم به دموکراسی گذار ادامه داشت و متوقف نشد. در مورد اعتدالگرایان گرچه تعاملات جناحی نبود یا بسیار کم رنگ بود و هم چنین وضعیت عدم امنیت برای نخبگان وجود داشت اما به دلیل تسلط ایدئولوژی گروه غالب در هسته قدرت وضعیت نخبگان گسیخته شکل نگرفت و کماکان وضعیت نخبگان ایدئولوژیک برقرار بود اما انحصار قدرت وجود نداشت و مشارکت محدود و کنترل شده نخبگان بوروکراتیک یا فن سالاران طیف اعتدالگرایان در قدرت وجود داشت.

منازعات در سایه وجود بحران در اسرع وقت مغلوبه و پایان می یافت. تئوری قائل به این است اگر در وضعیت گسیخته منازعات طولانی باشد امکان شکل گیری پیمان دموکراتیک وجود دارد. اما در این مورد با تسلط نخبگان ایدئولوژیک بن بست منازعات رخ نداد. هم چنین سازمان یابی نسبتاً مناسب احزاب وجود داشت اما منازعات با وجود بحران و نیز فشار توده ای ضد مصالحه با برتری قواعد و مناسبات ایدئولوژیک به نفع اصولگرایان و با برتری ایشان به عنوان فصل الخطاب پایان می یافت. به دلیل عدم شکل گیری پیمان دمکراتیک و وجود بحران و نیز فشار توده ای ضد مصالحه و هم چنین مشروعیت پایین دموکراسی، انحصار قدرت و تسلط نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک شکل گرفت و بازگشت به اقتدارگرایی رخ داد و گذار دموکراتیک جای خود را به مناسبات اقتدارگرایانه داد. در این مورد بر خلاف تئوری که در صورت وجود بحران انتظار این است پیمان دمکراتیک شکل بگیرد وجود بحران و فشار توده ای به انسجام ایدئولوژیک منجر شد.

### یافته های استنباطی

حال با توجه به عدم حضور علت ها و شروط مشترک که عدم تثبیت دموکراتیزاسیون یا عدم حفظ وضعیت گذار را رقم زده اند با گزاره منطقی زیر، وضعیت بازگشت به اقتدارگرایی تبیین علی می شود:

$$\text{Outcomf3(بازگشت به اقتدارگرایی)} = F(\sim c2 * \sim a2 * \sim a3; \sim b1 * \sim b2)$$

در مبحث ادبیات نظری آورده شد که در نظریه کنشگری سه وضعیت؛ نخبگان یکپارچه دمکراتیک، نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک و نخبگان گسیخته برای نخبگان متصور است. مطلوب در نظریه گذار برای تحقق دموکراتیزاسیون حرکت از وضعیت نخبگان گسیخته و تحقق وضعیت نخبگان یکپارچه دمکراتیک است. اما وقتی وضعیت نخبگان یکپارچه دمکراتیک نیست، وضعیت نخبگان از دو حالت خارج نیست یا منازعات بی پایان است و وضعیت گسیخته نخبگان ادامه دارد و اقتدارگرایی غالب نیست یا در غیر این صورت وضعیت نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک حاکم است.

با این توضیح می توان گزاره تبیینی رخداد بازگشت به اقتدارگرایی را با توجه به تبیین تجربی و نیز حضور و غیاب علت ها در جدول ارزش به شکل زیر نیز تبیین کرد.

$$\text{Outcomf3(بازگشت به اقتدارگرایی)} = F(c3 * \sim a2 * \sim a3; \sim b1 * \sim b2)$$

بدین معنی است که بازگشت به اقتدارگرایی رخ داده است چون نه دموکراسی مشروعیت بالایی داشته و نه نظام حزبی قدرتمندی وجود داشته است و وضعیت نخبگان یکپارچه ایدئولوژیک بوده است، هم بن بست منازعات وجود

نداشته است و هم سایر شرایط شکل‌گیری پیمان دمکراتیک وجود نداشته است لذا دموکراتیزاسیون به اقتدارگرایی بازگشت کرده است.

### آزمون فرضیات:

بر اساس فرضیه اول، شواهد تجربی تأیید می‌کند که در دوره اعتدال‌گرایان، وضعیت نخبگان نه تنها گسیخته نبود، بلکه یکپارچه ایدئولوژیک بود. در حالی که احزاب از سازمان‌یابی مناسبی برخوردار بودند، به دلیل فشار توده‌ای ضد مصالحه، بن‌بست منازعات و وضعیت بحران حاد، نه تنها پیمان دمکراتیک شکل نگرفت، بلکه بر خلاف انتظار تئوری، منجر به یکپارچگی بیشتر نخبگان ایدئولوژیک شد. در نتیجه، گذار دموکراتیک نیز به مرحله تثبیت نرسید.

شواهد تجربی، مدلول فرضیه دوم را نیز تأیید می‌کنند که به دلیل نبود نظام حزبی نهادمند و فقدان مشروعیت بالای دموکراسی، گذار تثبیت نشده است. اما بر خلاف دوره اصلاح‌طلبان، در این دوره گذار نه تنها تثبیت نشد، بلکه ادامه نیز نیافت و بازگشت به اقتدارگرایی رخ داد.

فرضیه سوم، بازگشت اقتدارگرایی را نتیجه عدم محقق شدن هیچ یک از شروط گذار دموکراتیک می‌داند. شواهد تجربی این وضعیت را نشان می‌دهند که در دوره اصول‌گرایان، نه وضعیت نخبگان گسیخته بود، نه پیمان دموکراتیک موضوعیت داشت، نه دموکراسی از مشروعیت برخوردار بود و نه نظام حزبی نهادمند وجود داشت. بنابراین، بازگشت به اقتدارگرایی در شرایط یکپارچگی ایدئولوژیک نخبگان اتفاق افتاده است.

اگر بر مبنای روش همبندی، برون‌داد یافته‌ها را «عدم تثبیت دموکراسی» در نظر بگیریم و با تکنیک روش اختلاف (تفاوت‌ها) به حضور و غیاب علت‌ها بنگریم، می‌توان گفت بحران با اقتدارگرایی هم‌آیند است. با وجود بحران و رعایت اندک اصول قانون اساسی به عنوان یک پیمان دموکراتیک، متوقف شده و بازگشت به اقتدارگرایی را رقم زده است. همچنین وجود بحران که انتظار می‌رفت بر اساس تئوری به شکل‌گیری پیمان دموکراتیک بیانجامد، با عملکردی پرابلماتیک و بر خلاف انتظار، وضعیت نخبگان گسیخته را به وضعیت یکپارچه ایدئولوژیک تبدیل کرده و در نهایت منجر به بازگشت اقتدارگرایی شده است.

می‌توان ادعا کرد یافته فراتر از انتظار این است که دست‌کم در ایران، اگر در وضعیت نخبگان گسیخته، پیمان دموکراتیک شکل نگیرد، آنگاه وجود بحران مؤثر، وضعیت نخبگان گسیخته را به وضعیت نخبگان ایدئولوژیک تغییر داده و بازگشت به اقتدارگرایی رخ داده است.

### نتیجه‌گیری

در این دوره، قواعد عمل سیاسی توسط هسته برتر قدرت تعیین و اعمال می‌شد. مناظرات لایه‌های پایین‌تر تنها حول چگونگی اجرای این قواعد بود و منازعات سیاسی عمدتاً حول مسائل اقتصادی شکل می‌گرفت. تعامل بین جناح‌ها بسیار ضعیف بود و اصول‌گرایان واکنش‌های طردآمیز و خشونت‌آمیزی نسبت به دولت اعتدال‌گرا نشان می‌دادند. خشونت و ناامنی، آزادی عمل کنشگران را محدود کرده بود و نخبگان ایدئولوژیک تفوق داشتند و از نخبگان علمی به صورت ابزاری استفاده می‌شد.

اصول گرایان بر ابزارهای نظارتی مانند نظارت استصوابی و ابزار زور مسلط بودند. منازعات به بن بست نمی رسید و وجود بحران های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، غلبه هسته قدرت را توجیه می کرد. جنبش های اعتراضی گسترده با خشونت سرکوب شدند ولی به بحران اقتدار منجر نشدند. احزاب به صورت صوری وجود داشتند و تنها کارکرد بسیج توده ای داشتند، نه تأثیرگذاری بر تصمیمات مهم که توسط شبکه های قدرت و نهادهای غیرانتخابی انجام می گرفت. بر اساس قانون اساسی ایران، تحقق دموکراسی لیبرال ممکن نیست. قانون اساسی با تبعیض های ساختاری دینی، مذهبی، جنسیتی و فقهی شکل گرفته و اصول بنیادی آن با دموکراسی و حقوق بشر در تضاد است. شورای نگهبان با تفسیرهای خود بر این ساختار سیطره دارد. اصلی ترین مانع گذار دموکراتیک، نبود مشروعیت برای دموکراسی، نبود احزاب نهادمند و حضور مسلط نخبگان ایدئولوژیک بود.

در نهایت، می توان ادعا کرد که در وضعیت نخبگان گسیخته، اگر پیمان دموکراتیک شکل نگیرد، وجود بحران وضعیت را به نفع نخبگان ایدئولوژیک تغییر داده و بازگشت به اقتدارگرایی رخ می دهد. تجربه دوره های مختلف نشان می دهد که عدم شکل گیری پیمان دموکراتیک، به دلیل عدم بن بست منازعات و فشارهای توده ای ضد مصالحه، عامل تعیین کننده است. این که در یک دوره وضعیت گذار جریان داشته و در دوره دیگر اقتدارگرایی بازگشته، ناشی از حضور یا غیاب عوامل بحران و وضعیت خاص نخبگان ایدئولوژیک در هر مقطع است.

## منابع

### الف: منابع فارسی

#### کتاب ها

- بشیریه، حسین. (۱۳۸۷). *گذار به دموکراسی*. تهران: نشر معاصر، چاپ سوم
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۲). *دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران*، تهران: نگاه معاصر. چاپ ششم
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۳). *آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)*. تهران: نگاه معاصر، چاپ بیست و سوم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۴). *عقل در سیاست*، تهران: نگاه معاصر. چاپ پنجم
- ساعی، علی. (۱۳۹۲). *روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی*. تهران: آگه
- ساعی، علی. (۱۳۹۸). *روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی*. تهران، سمت، چاپ هفتم
- ساعی، علی. (۱۳۹۷). *دموکراتیزاسیون در ایران*. تهران: جامعه شناسان
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲). *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*. ترجمه احمد شهسا. تهران: روزنه
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۸). *استبداد در ایران*. تهران: اختران، چاپ پنجم
- قاضی مرادی، حسن (۱۴۰۰). *گذارها به دموکراسی*. تهران: اختران، چاپ دوم
- کانینگهام، فرانک. (۱۳۹۶). *نظریه های دموکراسی*. مترجم سعید خاوری نژاد. تهران: دنیای اقتصاد
- کدیور، محمدعلی. (۱۳۸۶). *گذار به دموکراسی؛ ملاحظات نظری و مفهومی*. تهران. گامی نو، چاپ اول
- گالبرایت، جان کنت. (۱۳۶۶). *کالبدشناسی قدرت*. مترجم و ناشر: احمد شهسا.
- گیل، گریم. (۱۳۹۴). *پویایی دموکراسی سازی*. ترجمه سعید حاجی ناصری و فرید حسینی مرام. تهران، اختران.

## رساله ها

- ابوذری لطف، مرضیه. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه (۱۹۲۵-۱۹۰۶). رساله دکتری. دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- اطاعت، جواد. (۱۳۸۳). نظام انتخاباتی و نظام سیاسی، مطالع فرآیند دموکراتیزاسیون در ایران. رساله دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- پاک نیا، جهانگیر. (۱۳۸۸). موانع تحقق الگوهای گذار به دموکراسی در ایران. پایان نامه ارشد، دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- راهبر، مهنوش. (۱۳۹۱). بررسی انتقادی و آسیب شناسانه جریان اصلاح طلبی در ایران (۱۳۷۶-۱۳۸۴). رساله دکتری. دانشگاه آزاد تهران مرکز. دانشکده علوم سیاسی.
- محمدنیا بهابادی، مهدی. (۱۳۸۵). موانع گذار ایران به دموکراسی در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴). دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کوشافر، محسن. (۱۳۸۹). تحلیل جامعه شناختی عدم تثبیت دموکراسی در ایران با تاکید بر رویکرد نخبه گرایی ۱۲۸۴ تا ۱۳۸۵. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

## مقاله ها

- احمدوند، شجاع. (۱۳۹۷). «جوامع اسلامی و سنت کهن اقتدارگرایی». پژوهش حقوق و سیاست. سال ۱۳۸۲. شماره ۹. ص ۲۵-۶
- استوار، مجید. (۱۳۹۶). «گذار به دموکراسی در ایران با تاکید بر نقش نخبگان حاکم». فصلنامه دولت پژوهی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳. شماره ۱۱. پاییز ۱۳۹۶.
- ایمانی بوسجین، اصغر. (۱۳۹۲). «بررسی جامعه شناختی موانع فرهنگی تثبیت دموکراسی در ایران». همایش کنکاش های مفهومی و نظری در باره جامعه ایران. انجمن جامعه شناسی ایران.
- پورقوشچی، محمدرضا. مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۷). امکان یا امتناع مصالحه در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال چهاردهم. شماره ۵۳. زمستان.
- پورقوشچی، محمدرضا. مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۸). تحلیل الگو و سازوکارهای مصالحه در ایران پس از انقلاب اسلامی (گذار از خصومت به رقابت). جستارهای سیاسی معاصر. سال دهم. شماره دوم. تابستان.
- جوانی، احمد. (۱۳۹۴). «موج گذار به دموکراسی در جمهوری اسلامی». فصلنامه سیاست. دوره ۴۵. شماره ۴. زمستان ۱۳۹۴.
- خوشبخت، علیرضا. توسلی رکن آبادی، مجید و مجاهدی، محمد مهدی. (۱۴۰۰). «دوره اصلاحات در ایران؛ پویایی یک نظام سیاسی هیبریدی». دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری. شماره ۲۹. بهار و تابستان ۱۴۰۰

- زائر کعبه، رحیم و دیگران. (۱۳۹۸). «تحلیل زمینه های جامعه شناختی تحول گفتمان عدالت در دولت های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی». دوفصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه. سال نهم. شماره دوم. پاییز و
- زیبا کلام، صادق و دیگران. (۱۳۹۰). «بررسی کارکرد رسانه نوشتاری در ایجاد و گسترش پوپولیسم در ایران سال ۱۳۸۷» (مطالعه موردی روزنامه های اعتماد ملی و کیهان). فرهنگ ارتباطات. سال ۱۳۹۰. دوره اول شماره ۱ صفحات ۲۹-۱:
- ساعی، علی و دیگران (۱۳۹۶). «تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه مطالعه مرحله تثبیت دموکراتیک با تاکید بر تعامل احزاب». مجله جامعه شناسی تاریخی. دوره ۹، شماره ۲. پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
- ساعی، علی. (۱۳۸۸). «معرفت شناسی فازی و دلالت های روش شناختی آن در علم اجتماعی». پژوهشگاه علوم انسانی.
- ساعی، علی. (۱۳۹۰). «استدلال انتقادی در باب نسبت تئوری با تجربه، مطالعه موردی دستگاههای معرفتی پوزیتیویستی، عقلانیت انتقادی و فازی». جامعه شناسی تاریخی. دوره ۳، شماره ۲.
- ساعی، علی. (۱۳۹۹). «تحلیل توزیع منابع قدرت سیاسی در ایران با رویکرد نظریه شبکه محور: مطالعه موردی اعضای دولت موقت تا دولت دوازدهم». مجله علوم اجتماعی. بررسی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۱۱، شماره ۲۹.
- عبد الهی، محمد و ساعی، علی. (۱۳۸۴). «تحلیل جامعه شناختی دموکراتیزاسیون در ایران». مجله جامعه شناسی ایران. دوره ششم. شماره ۳.
- کوشافر، محسن. ساعی، علی (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه شناختی عدم تثبیت دموکراسی در ایران با تاکید بر رویکرد نخبه گرایی ۱۲۸۴ تا ۱۳۸۵». مطالعات جامعه شناختی. شماره ۱۸.
- مقصودی، مجتبی (۱۴۰۰). «مصالحه سیاسی و توسعه در ایران؛ بررسی چند گزاره نظری و انضمامی» پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴، پیاپی ۶۴، صص ۲۱۹-۱۸۱، پاییز ۱۴۰۰
- موسوی، سیده لیلا و توسلی رکن ابادی، مجید (۱۳۹۵). «فرهنگ سیاسی فردیت و بازتولید اقتدار گرایی در ایران». فصل نامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۲ شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۵.

## Library:

## ب: منابع انگلیسی

- Ansari, A.M.(2007).Iran under Ahmadinejad: The politics of confrontation.Routledge.
- Arjomand, S.A.(2009).After Khomeini: Iran under his successors.Oxford University Press.
- Ansari, A.M.(2012).The politics of nationalism in modern Iran.Cambridge University Press.
- Gill Graeme ; *The Dynamics of Democratization\_ Elites, Civil Society and the Transition Process* (2000, Macmillan Education UK)
- Grugel Jean ; *Democratization\_ A Critical Introduction*.New York.PALGARVE.First Published (2002)
- Huntington ,Samuel P ; *The Third Wave.Democratization in the Late Twentieth Century* (1991,

University of Oklahoma Press) London, 2002

-kaningham; Frank, *DEMOCRACY ;Theories of Democracy' A Critical Introduction*, Routledge

-Gheissari, A., & Nasr, V. (2006). *Democracy in Iran: History and the quest for liberty*. Oxford University Press.

-Maloney, S. (2015). *Iran's political economy since the revolution*. Cambridge University

#### وب گاه ها و صفحات الکترونیکی

ا. یسنا. (اتفاقات مشهد و اختیارات رئیس جمهور. ۱۳۹۵، ۳ شهریور

<https://www.isna.ir/news/95090302263>

تسنیم. (اعتراضات آبان ۱۳۹۸). ۱۳۹۸، ۲۴ آبان

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/08/24/2152272>

ا. یلنا. (اعتراضات دی ۱۳۹۶). ۱۳۹۶، ۲۲ دی

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-510871>

فارس. (افشای جزئیات جدید از حمله به رژه اهواز. ۱۳۹۷، ۳۱ شهریور

<https://www.farsnews.ir/news/13970731000654>

پایگاه اطلاع رسانی دفاع مقام معظم رهبری. (الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. ۱۴۰۳، ۳ خرداد

<https://farsi.khamenei.ir/keyword-print?id=1001>

دیپلماسی ایرانی. (پایان ماجرای حمله به سفارت عربستان. ۱۳۹۷، ۱۲ دی

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1980928>

پایگاه اطلاع رسانی دفاع مقام معظم. (پاسخ رهبر انقلاب به ۱۰ پرسش اقتصاد مقاومتی. ۱۳۹۳، ۶ فروردین

رهبری.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26023>

جهان نیوز. (تحلیلی جامع از انتخابات ۹۲ و آرایش نیروهای سیاسی. ۱۳۹۲، ۲۶ تیر

<https://www.jahannews.com/analysis/299913>

عصر ایران. (تخمین مرگ های واقعی کرونا. ۱۴۰۱، ۷ دی

<https://www.asriran.com/fa/news/930168>

اقتصاد آنلاین. (تهدید نمایندگان از طریق پیامک. ۱۳۹۴، ۲۰ مهر

<https://www.eghtesadonline.com/news/98975>

مشرق. (جانشین فرمانده کل قوا در ناجا. ۱۳۹۲، ۲۵ مرداد

<https://www.mashreghnews.ir/news/256541>

فارس. (خروج ترامپ از برجام. ۱۳۹۷، ۲۴ اردیبهشت

<https://www.farsnews.ir/news/13970224000384>

مرکز پژوهش های مجلس. (درآمدی بر آغاز و انجام دولت تدبیر و امید (۱۴۰۰-۱۳۹۲). ۱۴۰۰، ۲۱ مرداد

شورای اسلامی

<https://csr.ir/fa/news/1454>

ایرنا. (درگذشت هاشمی رفسنجانی). ۱۳۹۵، ۱۹ دی

<https://www.irna.ir/news/82928770>

آفتاب نیوز. (داستان سعید جلیلی و توافق هسته‌ای؛ آرزویی که از دست رفت). ۱۳۹۴، ۲۰ شهریور

<https://aftabnews.ir/fa/news/318700>

گزارشگران بدون مرز. (رتبه آزادی مطبوعات ایران). ۲۰۲۱.

<https://rsf.org/en/country/iran>

کیهان لندن. (رکود تورمی و شیوع کرونا). ۱۳۹۹، ۱۵ مهر

<https://kayhan.london/fa/1400/07/15>

همشهری آنلاین. (سقوط آزاد پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان). ۱۴۰۰، ۱۱ خرداد

<https://www.hamshahrionline.ir/news/644146>

دولت به روایت پایگاه اطلاع‌رسانی دولت. (عملکرد یک سال و نیم دولت روحانی زیر ذره بین). ۱۳۹۳، ۲ اسفند

<https://dolat.ir/detail/258937>

ایرنا. (قطع اینترنت در آبان ۹۸). ۱۳۹۸، ۲۷ آبان

<https://www.irna.ir/news/83560282>

شرق. (قانون اقدام راهبردی؛ دخالت مجلس در امور اجرایی). ۱۳۹۹، ۱۰ آذر

<https://www.sharghdaily.com/fa/main/detail/391656>

خبرآنلاین. (ماجرای حمله به مطهری در شیراز). ۱۳۹۴، ۹ تیر

<https://www.khabaronline.ir/news/431723>

ایرنا. (مجلس نهم و دولت یازدهم؛ استیضاح و سیمان ریزی تا تصویب ۲۰ دقیقه ای برجام). ۱۳۹۵، ۴ خرداد

<https://www.irna.ir/news/82085867>

دیپلماسی ایرانی. (مساله اف ای تی اف و وزن کشتی سیاسی از دولت روحانی). ۱۳۹۷، ۹ بهمن

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1981418>

عفو بین‌الملل. (معترضان آبان ۹۸). ۱۳۹۸، ۲۹ آبان

<https://www.amnesty.org/en/documents/mde13/2308/2020/fa>

تابناک. (می‌خواهیم کابینه را ساقط و روحانی را استیضاح کنیم). ۱۳۹۸، ۶ آذر

<https://www.tabnak.ir/fa/news/940266>

اقتصاد نیوز. (ناگفته‌های استعفای ظریف). ۱۳۹۹، ۲۹ دی

<https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-386714>

خبرگزاری رجا. (نقدی بر بازپروری الگوی توسعه در دولت روحانی). ۱۳۹۴، ۱۲ آبان

<https://www.rajanews.com/news/226472>

پایگاه اطلاع‌رسانی دفاع مقام معظم رهبری. (وزارت خارجه مرجع تضارب آراء نیست). ۱۴۰۰، ۳۰ فروردین

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=47863>

برنامه کلی اصول و خطمشی دولت تدبیر و امید. (ستاد کل نیروهای مسلح). بی‌تا

<https://www.doe.ir/portal/file/?216931/tadbir.pdf>

Scientific-Research Quarterly of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Vol. 19, No. 2 (Consecutive No. 3), Summer 2025

Received: September 14, 2025 – Accepted: September 22, 2025

pp. 115–142

### **A Sociological Analysis of the Fourth Wave of Democratization in Iran ;The Moderates' Era (2013-2021)**

Iraj Zarei<sup>1</sup>, Seyed Mostafa Abtahi<sup>2\*</sup>, Majid Tousali Rokanabadi<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. Candidate in Political Sociology, Department of Political Science and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Department of Political Science and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>3</sup> Department of Political Science and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

#### **Abstract:**

This research examines the trajectory of democratization in contemporary Iran, identifying three historical waves that culminated in a return to authoritarianism. It posits that a fourth wave, initiated during the Reformist era (1997-2005), encountered a problematic transition, which ultimately resulted in the consolidation of an authoritarian order under the subsequent Moderate government (2013-2021)

The study is grounded in the methodological approach of critical rationalism and employs a historical-comparative method. Its central research question is: Why did the democratic transition process stall and lead to the consolidation of authoritarianism during the Moderate era? To answer this, the research constructs a theoretical framework based on actor-oriented theories of democratic transition. From this, it deduces that three necessary conditions were absent: a "fragmented elite," a "democratic pact," and high "legitimacy of democracy" or an "institutionalized party system".

The empirical analysis, using narrative and conjuncture techniques, focuses on the Moderate period. The findings reveal that the persistence of a cohesive, ideologically unified elite, combined with a prevailing state of crisis, directly led to authoritarian consolidation. Crucially, this outcome occurred precisely because of the absence of the necessary preconditions—an institutionalized party system and high democratic legitimacy—which meant the crisis reinforced the authoritarian system instead of challenging it. This conclusion challenges the expectations of mainstream actor-oriented transition theories.

**keywords:** Democratization, Authoritarianism, Democratic Transition, Principlists, Reformists, Moderates, Wave of Democracy.

---

**\*\*Corresponding Author** m-abtahi@srbiau.ac.ir